



پیروزی حق بر باطل

شورای رهبری حماس با رهبر انقلاب دیدار کردند



شبکه آقاخان

درباره امامان اسماعیلی



مبارزه با خصوصی سازی

درباره جنجال واگذاری ایران خودرو

باید به خودمان تکیه کنیم

سخنران رئیس جمهور در افتتاح پروژه های صنعتی و گردشگری استان کرمان

۲
میهن

یادداشت روز

پرهیز از وعده های کاذب

دولت در شرایط جدید چگونه باید کشور را اداره کند؟

سیدمصطفی هاشمی طباطبائی
عضو شورای عالی مشورتی
حزب کارگران سازندگی ایران

ضرورت تغییر رویکرد حکمرانی در شرایط تحریم، مسأله های حیاتی و اجتناب ناپذیر برای کشور ما در شرایط کنونی است. اولین گام اساسی در این مسیر، پذیرش واقعیت تحریم ها توسط تمامی ارکان حکمرانی کشور اعم از دولت، مجلس و سایر نهادهاست. این پذیرش صرفاً یک اعلام موضع نیست بلکه درک عمیق و همه جانبه از تأثیرات گسترده و عمیق تحریم ها بر تمامی ابعاد و جنبه های کشور را شامل می شود. تحریم ها پدیدهای نیستند که تنها بخش های خاصی از اقتصاد یا سیاست را تحت تأثیر قرار دهند بلکه مانند یک شبکه درهم تنیده، تمامی تار و پود جامعه را در بر می گیرند. از اقتصاد و معیشت مردم گرفته تا سیاست خارجی و روابط بین الملل، از فرهنگ و اجتماع تا پیشرفت های علمی و فناوری، هیچ حوزه ای از اثرات تحریم ها مصون نخواهد بود. بنابراین انکار یا کوچک شمردن واقعیت تحریم ها نه تنها کمکی به حل مشکلات نخواهد کرد بلکه می تواند منجر به اتخاذ تصمیمات نادرست و ناکارآمد شود. درک تفاوت اساسی شرایط کشور در وضعیت تحریم با شرایط عادی، دومین نکته کلیدی در تغییر رویکرد حکمرانی است. دولت حتی پیش از اعمال تحریم های گسترده نیز با چالش های متعددی روبرو بود. رهاسدگی و فقدان نظارت کافی بر بسیاری از بخش های اقتصادی و اداری، زمینه ساز بروز فساد، رانت و سوء استفاده های گسترده شده است. در شرایط تحریم، این ناکارآمدی ها و ضعف ها نه تنها تشدید می شوند بلکه می توانند به بحران های عمیق تری دامن بزنند. بنابراین اصلاح ساختاری سیاست های داخلی دولت، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه سیاست، امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. این اصلاحات باید با هدف افزایش کارآمدی، شفافیت و پاسخگویی نظام حکمرانی، کاهش فساد و رانت و تقویت بنیان های اقتصاد ملی صورت گیرند. بدون اصلاحات، تلاش برای مقابله با تحریم ها و بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی مانند تلاش برای بر کردن ظرفی سوراخ است که نتیجه ای جز هدر رفتن منابع و انرژی نخواهد داشت. به جای تکیه بر اقتصاد عادی و وعده های غیر واقعی، حرکت به سمت اقتصاد مقاومتی در شرایط تحریم، یک ضرورت استراتژیک است. اقتصاد در وضعیت جنگی ای که آمریکا آن را آغاز کرده است، به معنای بسیج تمامی امکانات و ظرفیت های کشور برای مقابله با تهدیدات خارجی و داخلی و مدیریت منابع محدود به صورت بهینه و کارآمد است. در این نوع اقتصاد، اولویت با تأمین نیازهای اساسی مردم، حفظ تولید و اشتغال و تقویت بنیه دفاعی کشور است.

پرهیز از وعده های غیر واقعی در خصوص بهبود معیشت، توسعه و رفاه به مردم، یک ضرورت اخلاقی و سیاسی در شرایط تحریم است. وعده های غیر واقعی نه تنها انتظارات کاذب در جامعه ایجاد می کنند بلکه اعتماد مردم به حاکمیت را نیز خدشه دار می سازند. باید با مردم صادقانه درباره کاهش امکانات و محدودیت ها به دلیل تحریم ها صحبت شود و هدف اصلی جلب مشارکت مردم در مقابله و مقاومت در برابر تحریم ها باشد. مشارکت مردمی، سرمایه ای ارزشمند و بی بدیل است که می تواند در شرایط سخت و دشوار، کشور را از بحران ها عبور دهد. ادامه دادن به سیاست های قبل از تحریم در حالی که شعار تحریم داده می شود یک تناقض آشکار و غیر قابل قبول است. این تناقض نه تنها نشان دهنده عدم درک صحیح از شرایط بحرانی است بلکه می تواند منجر به بی اعتمادی و سرخوردگی مردم شود. وعده بهبود معیشت در شرایطی که ریاضت اقتصادی اجتناب ناپذیر است، نوعی تناقض رفتاری محسوب می شود که پیامدهای منفی بسیاری به دنبال خواهد داشت. در شرایط تحریم، پرهیز از ریختن پاش و اسراف و رعایت حداکثری صرفه جویی در تمامی زمینه ها یک الزام شرعی، اخلاقی و عقلی است. منابع محدود کشور باید به صورت بهینه و اولویت بندی شده، مصرف شوند و از هرگونه هدر رفتن منابع جلوگیری شود. این صرفه جویی باید از بالاترین سطوح حکمرانی آغاز شده و به تمامی سطوح جامعه تسری یابد.

موسی به روایت ابراهیم

ابراهیم حاتمی کیا چگونه در فیلم موسی از یک روایت تاریخی به یک روایت امروزی رسیده است؟

امروز در موسی تمام پازل هستند. زنان در عموم فیلم های حاتمی کیا یا نمادی از صبر و مقاومت و ایثار بودند یا بازماندگان جنگ. عموماً با زنانی روبرو بودیم که همراهان مردان بودند و در داستان، نقش حمایتی و عاطفی را بر عهده داشتند.

ادامه در صفحه ۵

که در فیلم مطرح می شود به نظر می رسد ما با حاتمی کیای دومی طرف باشیم که این بار برخلاف آثار پیشینش به زنان و جنگندگی آنان برای بقا و ساختن آینده متفاوت، اهمیت می دهد. به همین دلیل است که اگر تا دیروز زنان بخشی از یک پازل در فیلم های حاتمی کیا بودند،

که در فیلم آخر خود خروج، دولت وقت را به باد انتقادات تند خود گرفته بود، امروز با فیلم تاریخی موسی کلیم الله یک داستان زنانه را روایت می کند که قهرمانان عصر خویش بودند. بدین ترتیب فیلم موسی اگرچه بر بستریک داستان تاریخی روایت می شود اما با توجه به مضامینی

اکبر منتجبی
سرگرد

عبور از پیچ اتفاقات سال های اخیر گویا باعث تغییر دیدگاه های بسیاری از افراد از جمله ابراهیم حاتمی کیا به زنان شده است. کارگردانی نام آشنا



دولت

باید به خودمان تکیه کنیم

سخنران رئیس‌جمهور در افتتاح پروژه‌های صنعتی و گردشگری استان کرمان



مسعود پزشکیان صبح دیروز شنبه در جریان سفر به سیرجان به منظور افتتاح پروژه‌های صنعتی و گردشگری در مراسمی که به منظور افتتاح پروژه‌های مجتمع گل‌گهر برگزار شد، با بیان اینکه انسان وقتی این همه تلاش و حرکت را می‌بیند احساس امیدواری می‌کند، اظهار کرد: در ابتدا لازم است، جان باختن تعدادی از دانش‌آموزان کرمانی در حادثه رانندگی را خدمت خانواده آنان و همه ملت ایران تسلیت بگویم. موضوع در دست بررسی کارشناسی است تا بتوانیم از تکرار چنین حوادثی جلوگیری کنیم.

پزشکیان با تأکید بر اینکه وقتی می‌توانیم مشکلات را حل کنیم که همه دست به دست هم دهیم، تصریح کرد: اگر کسی تصور کند که عقل کل است، مشکل خواهیم داشت، عقل کل همه ما و شما و همه کسانی که بعدها خواهند آمد و تحول ایجاد خواهند کرد، هستیم و هستند نه یکی از ما یا آنها.

پزشکیان با اشاره به اینکه رهبر معظم انقلاب اسلامی روز گذشته سخنان زیبایی داشتند، اظهار کرد: بنده از جوانی تا کنون همواره این شعر اقبال لاهوری را که می‌گوید مثل آینه مشو محو جمال دگران، از دل و دیده فرو شوی خیال دگران... را مدنظر داشته‌ام و دارم؛ این ما و شما و فرزندان ما هستیم که قادریم آینده را بهتر از آنچه امروز هست، بسازیم، کافی است، باور کنیم. انسان به میزانی که می‌بیند، می‌تواند حرکت کند و کسی که نمی‌بیند، نمی‌تواند برود؛ انسان به میزان آرزوها و امیدهای خود و به اندازه دغدغه‌هایش انسان است. اگر کسی به وضعیت موجود راضی نشد و برای ساختن آینده‌ای که در ذهن داشت، تلاش کرد، آنگاه قادر خواهد بود، تغییر ایجاد کند. بستگی دارد که ما بخواهیم از توانمندی‌های خود چقدر بهره بگیریم. وقتی توانستیم نگاه خود را ارتقا ببخشیم، می‌توانیم آن کاری که می‌خواهیم را انجام دهیم. از همین رو همانگونه که بنده در دوران انتخابات گفتم و حالا نیز تأکید دارم باید سند چشم‌انداز را چراغ راه خود کنیم.

پزشکیان با طرح این موضوع که آیا امروز در زمینه ساخت راه و اجرای دیگر طرح‌ها، مطابق با اهداف و چارچوب‌های سند چشم‌انداز حرکت می‌کنیم، تصریح کرد: اگر ما می‌خواهیم به جایگاه اول منطقه برسیم باید طور دیگری اقدام کنیم که شاعر هم می‌گوید آن چیز که در بی‌آنی، آبی، این خواسته انسان است که انسان را وادار به حرکت و هدایت می‌کند.

پزشکیان با بیان اینکه شاید لزوماً من به قله نرسیم اما برای بهترین شدن تلاش می‌کنم و این مهم است، خاطر نشان کرد: اگر نگاه ما به قله باشد، رفتار و نوع فکر کردن ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ما می‌توانیم ایران را تبدیل به کشوری مستقل، آزاد و بی‌نیاز از هر آنچه کنیم که آنها فکر می‌کنند. اگر ما را از آنها محروم و محاصره کنند، ما از گرسنگی خواهیم مرد. اگر اراده کنیم، راه را پیدا می‌کنیم؛ مشکل ما اراده و باور است.

رئیس‌جمهور اظهار کرد: اگر چشم از دیگران برداریم و به خودمان تکیه کنیم، باور داریم که به آنچه می‌خواهیم، خواهیم رسید. ما می‌خواهیم به جایگاه اول منطقه از نظر علم و اقتصاد و تکنولوژی برسیم اما این به راحتی به دست نمی‌آید بلکه باید برای آن زحمت فراوان کشید. ما باور داریم که به سوسی‌خداوند بی‌نیازیت حرکت می‌کنیم که هیچ‌گاه به آن نخواهیم رسید و این یعنی می‌شود همیشه برای رشد و ترقی تلاش کرد.



دیدار در حصر

محمد رضا عارف معاون اول: معاون اول رئیس‌جمهور با مهدی کروبی در حصر دیدار و گفت‌وگو کرد. بنا به گفته حسین کروبی در این دیدار، کروبی ضمن تقدیر از تلاش دولت از وضعیت بد معیشتی مردم اظهار تأسف کردند و گفتند که بسیار ناراحتیم از اینکه وضعیت اقتصادی کشور و مردم را پس از گذشت ۴۶ سال از انقلاب اینگونه می‌بینم.



مذاکرات با اروپا

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت در شبکه اجتماعی ایکس: راهبرد دولت شنیده شدن یک صدای واحد از ایران است. ضمن آنکه همه به مشکلات واقف هستند، امروز نسبت به دیروز نیاز بیشتری به وفاق و همدلی برای عبور از مشکلات داریم. مذاکرات با کشورهای اروپایی ادامه خواهد داشت و همه به خوبی می‌دانند ایران در شرایطی که مذاکره غیرشراقتمندانه باشد به آن تن نخواهد داد.



قاضی سراج در ستاد حقوق بشر

ناصر سراج با حکم رئیس قوه قضاییه به عنوان معاون امور بین الملل قوه قضاییه و با حفظ سمت به عنوان دبیر ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران منصوب شد. قاضی سراج پیش از این معاون سیاسی رئیس قوه قضاییه بود و مسئولیت‌های مختلف قضایی از جمله دادستان نظامی تهران، مشاور ریاست قوه قضاییه، ریاست سازمان بازرسی کل کشور، معاون دیوان عالی و معاون سیاسی - امنیتی دادستان کل کشور بوده است.

رهبر انقلاب در دیدار رئیس و اعضای شورای رهبری حماس:

پیروزی حق بر باطل



به ویژه با مشارکت کشورهای اسلامی برای کمک به مردم غزه و بازسازی این منطقه تأکید کرد و افزود: قطعاً کشورهای اسلامی با کمک هم خواهند توانست، غزه را دوباره آباد کنند و زندگی را به مردم مسلمان این منطقه بازگردانند.

پزشکیان همچنین با تأکید بر حمایت و پشتیبانی جمهوری اسلامی ایران از جبهه مقاومت و مردم مظلوم غزه گفت: ما به پیروزی نهایی مقاومت یقین داریم چراکه خدای متعال در قرآن کریم آن را تعهد کرده و وعده داده است.

در این دیدار یکی از اعضای شورای رهبری حماس ضمن قدردانی از حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران و همه گروه‌های مقاومت از مقاومت فلسطین در راه رسیدن به این پیروزی در مقابل دشمن صهیونیستی گفت: بسیار خرسندیم که دیدار با شما در تقارن ایام پیروزی انقلاب اسلامی و پیروزی مردم ما در غزه اتفاق افتاده است. مقاومت فلسطین با تداوم این حمایت‌ها و همراهی‌ها برای انتقال این پیروزی به مرحله نهایی نبرد یعنی آزادسازی سرزمین فلسطین آماده می‌شود.

عضو شورای رهبری حماس ضمن گرامیداشت یاد بیش از ۶۰ هزار شهید غزه و رهبران و فرماندهان برجسته مقاومت از جمله شهید سیدحسین نصرالله، شهید هنیه، شهید سنوار، شهید عاروری و شهید صفی‌الدین گفت: اگر چه امروز صدای بمب و موشک و خمپاره در غزه متوقف شده اما فراموش نمی‌کنیم چه جنگ بزرگی برای نابودی ما در غزه و در منطقه به راه انداختند و چه شکست‌هایی از جانب گروه‌های مقاومت در غزه، لبنان، عراق و یمن به آنها وارد و همه این دستاوردها در تاریخ ماندگار شد.

عضو شورای رهبری حماس با تأکید بر اینکه آنچه پیروزی ما علیه رژیم صهیونیستی را رقم زد، نه سلاح و مهمات بلکه ایمان حقیقی به خدای متعال و عزم راسخ برای آزادی سرزمین‌مان بود، اظهار کرد: مردم غزه در رأس هرم مقاومت قرار دارند و این پیروزی به نام آنهاست چراکه ایستادگی آنها، ایستادگی گروه‌های مقاومت را ممکن کرد؛ ما به وعده الهی ایمان داریم و یقین داریم تا تحقق هدف نهایی مشمول نصرت او خواهیم بودیم.

وی همچنین ادعاهای اخیر آمریکا و رژیم صهیونیستی درباره آینده غزه را فاقد ارزش دانست و تأکید کرد: آینده غزه از آن مردم این منطقه و اداره آن از طریق یک همکاری مشترک ملی میان فلسطینیان انجام خواهد شد.

در مقابل دشمنان احساس ضعف نمی‌کنند. آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به تهدیدهای اخیر آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی و مردم ایران، تأکید کردند: این گونه تهدیدها، هیچ تأثیری در ذهنیت ملت و مسئولین ما همچون فعالین کشور و جوانان ندارد. ایشان خاطر نشان کردند: مساله دفاع از فلسطین و حمایت از مردم فلسطین نیز در ذهن مردم ایران هیچ جای سوال ندارد و یک موضوع حل شده است. رهبر انقلاب اسلامی گفتند: مساله فلسطین برای ما یک مساله اصلی و پیروزی فلسطین نیز برای ما یک موضوع قطعی است. آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اینکه در نهایت پیروزی نهایی با مردم فلسطین خواهد بود، خاطر نشان کردند: حوادث و فراز و فرودها نباید موجب تردید شود بلکه باید با قدرت ایمان و امید پیش رفت و به امدادهای الهی امیدوار بود. رهبر انقلاب اسلامی در پایان خطاب به رهبران حماس گفتند: به لطف خداوند آن روز فرا خواهد رسید که همه شما با سر بلندی تمام، موضوع قدس را برای دنیای اسلام حل کرده‌اید و آن روز قطعاً اتفاق خواهد افتاد.

در این دیدار آقایان «محمد اسماعیل درویش» رئیس شورای رهبری حماس، «خلیل الحیة» معاون رئیس دفتر سیاسی حماس و «زاهر جبارین» رئیس حماس در کرانه باختری ضمن تجلیل از رهبران شهید مقاومت به ویژه شهیدان «اسماعیل هنیه»، «سیدحسین نصرالله»، «یحیی سنوار» و «صالح العاروری»، گزارشی از آخرین وضعیت غزه و کرانه باختری و پیروزی‌ها و موفقیت‌های به دست آمده و شرایط کنونی، ارائه و از حمایت‌های همیشگی جمهوری اسلامی و مردم ایران قدردانی کردند.

دیدار اعضای شورای رهبری حماس با پزشکین

همچنین مسعود پزشکیان بعد از ظهر دیروز در دیدار اعضای شورای رهبری جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) ضمن گرامیداشت یاد همه شهدای جبهه مقاومت و تبریک پیروزی و دستاوردهای ارزشمند مردم مقاوم و مظلوم غزه در برابر رژیم صهیونیستی گفت: دستاوردهای بزرگ شما و مردم مظلوم غزه در عدم تحقق اهداف دشمن صهیونیستی به رغم تعداد بالای شهدایی که در راه آزادی سرزمین‌تان تقدیم کردید، قابل تحسین است و این پیروزی را به همه رزمندگان و همه مردم غزه تبریک می‌گوییم. رئیس‌جمهور در ادامه بر ضرورت ایجاد یک ائتلاف بین‌المللی

رئیس و اعضای شورای رهبری حماس صبح روز گذشته با آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی دیدار کردند. در ابتدای این دیدار آقای «محمد اسماعیل درویش» رئیس شورای رهبری حماس با تبریک پیروزی بزرگ مقاومت در غزه خطاب به رهبر انقلاب گفت: ما تلاقی ایام پیروزی مقاومت غزه با سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی را به فال نیک می‌گیریم و امیدواریم این تقارن، زمینه‌ساز آزادی قدس و مسجداً قضی شود. آقای «خلیل الحیة» معاون رئیس دفتر سیاسی حماس نیز در ابتدای این دیدار با تبریک پیروزی مقاومت غزه خطاب به رهبر انقلاب اسلامی گفت: ما امروز درحالی به دیدار جنابعالی آمده‌ایم که همه سربلند هستیم و این پیروزی بزرگ، پیروزی مشترک ما و جمهوری اسلامی است.

رهبر انقلاب نیز در این دیدار با گرامیداشت یاد و خاطره شهدای غزه و فرماندهان شهید، به ویژه شهید «اسماعیل هنیه»، خطاب به رهبران حماس گفتند: خداوند متعال به شما و مردم غزه عزت و پیروزی عطا کرد و غزه را مصداق آیه شریفه‌ای قرار داد که می‌گوید «چه بسا گروه کوچکی که به واسطه توفیق و اذن الهی بر گروه بسیار و قدرتمند غلبه کنند».

رهبر انقلاب اسلامی تأکید کردند: شما بر رژیم صهیونیستی و در واقع بر آمریکا غلبه کردید و به لطف خداوند نگذاشتید آنها به هیچ‌یک از اهداف خود برسند. آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به رنج‌هایی که مردم غزه در یک سال‌ونیم مقاومت متحمل شدند، خاطر نشان کردند: محصول همه این رنج‌ها و هزینه‌ها در نهایت پیروزی حق بر باطل بود و مردم غزه برای همه کسانی که دل در گرو مقاومت دارند، الگو شدند. رهبر انقلاب اسلامی با قدردانی از مذاکره‌کنندگان حماس، دستاورد توافق انجام شده را بزرگ خواندند و گفتند: امروز وظیفه همه جهان اسلام و همه حامیان مقاومت، کمک به مردم غزه برای کاهش رنج و آلام آنهاست.

آیت‌الله خامنه‌ای برنامه‌ریزی برای کارهای فرهنگی و ادامه مسیر کنونی کارهای تبلیغاتی در کنار امور نظامی و بازسازی غزه را ضروری خواندند و افزودند: تیرهای مقاومت و حماس در کارهای تبلیغاتی و رسانه‌ای عملکرد بسیار عالی داشتند و این روش باید ادامه یابد. رهبر انقلاب اسلامی، ایمان را عامل اصلی و سلاح غیرمتقارن جبهه مقاومت در مقابل دشمن دانستند و گفتند: به واسطه همین ایمان است که جمهوری اسلامی و جبهه مقاومت

دیدگاه: گزارش خارجی

معامله با اوکراین

هدف ترامپ از تصرف معادن کمیاب اوکراین در ازای حمایت از جنگ با روسیه چیست؟

ولودیمیر زلنسکی با بررسی نقشه‌های پیش‌تر محرمانه که نمایانگر ذخایر بزرگی از عناصر کمیاب و سایر مواد معدنی حیاتی کشورش بود، نشان داد که در پی ترغیب دونالد ترامپ برای معامله بر سر حمایت از اوکراین است. رئیس‌جمهوری آمریکا که پیش‌تر وعده داده بود، جنگ در اوکراین را به سرعت پایان بخشد، روز دوشنبه خواهان عرضه عناصر حیاتی کمیاب و سایر مواد معدنی این کشور در ازای جلب حمایت مالی از تلاش‌های جنگی کی‌یف شد. ولودیمیر زلنسکی روز جمعه با تأکید بر نیاز اوکراین به تضمین‌های امنیتی از سوی متحدانش به عنوان بخشی از هرگونه پیشنهاد برای حل و فصل بحران جاری گفت: «اگر صحبت از معامله است، پس بیایید معامله کنیم، ما موافق آن هستیم».

اوکراین پاییز گذشته، همزمان با ارائه طرحی موسوم به «پیروزی» برای پایان دادن به جنگ که هدف آن قرار دادن اوکراین در قوی‌ترین موقعیت برای مذاکره و اودار کردن مسکو به آمدن پای میز مذاکره عنوان شد، ایده باز کردن منابع معدنی حیاتی خود به روی سرمایه‌گذاری متحدان را به میان کشیده بود. زلنسکی می‌گوید کمتر از ۲۰ درصد از منابع معدنی اوکراین از جمله حدود نیمی از ذخایر عناصر کمیاب در این کشور تحت اشغال روسیه است.

عناصر کمیاب در ساخت آهن‌ریایی با کارایی زیاد، موتورهای الکتریکی و نیز لوازم الکترونیکی مصرفی، اهمیت بالایی دارند. بنا به ادعای زلنسکی، مسکو ممکن است این منابع را در اختیار متحدانش، کره شمالی و ایران، که هر دو دشمن قسم‌خورده ایالات متحده هستند، قرار دهد. وی تصریح کرد: «ما باید پوتین را متوقف کنیم و از آنچه به ویژه در منطقه بسیار غنی از مواد معدنی در دنیور واقع در مرکز اوکراین داریم، محافظت به عمل آوریم». نیروهای روسی ماه‌هاست که در شرق اوکراین پیشروی می‌کنند و منابع عظیمی از نیرو و تجهیزات خود را به تهاجم علیه اوکراین اختصاص داده‌اند. این در حالی است که ارتش بسیار کوچک‌تر کی‌یف از حیث نیرو و تجهیزات با کمبود سرباز دست و پنجه نرم می‌کند و نگران تأمین تسلیحات از خارج در آینده است. زلنسکی نقشه‌ای را روی میز در دفتر ریاست جمهوری باز کرد که نشان‌دهنده ذخایر معدنی متعدد از جمله یک نوار گسترده در مناطق شرقی بود که با اعلامی حاوی عناصر کمیاب مشخص شده‌اند. به نظر می‌رسد

حدود نیمی از این نوار در سمت روسیه از خطوط مقدم فعلی قرار دارد. او گفت اوکراین بزرگترین ذخایر تیتانیوم اروپا را دارد که برای صنعت هوانوردی و فضایی ضروری است. به گفته آقای زلنسکی همچنین منابع اورانیوم که برای انرژی هسته‌ای و سلاح‌ها استفاده می‌شود نیز در کشورش فراوان یافت می‌شود. بسیاری از ذخایر تیتانیوم در شمال غربی اوکراین، دور از منطقه درگیری علامت‌گذاری شده بودند.

اوکراین به سرعت رویکرد سیاست خارجی خود را برای هماهنگی با دیدگاه معامله‌گرایانه رئیس‌جمهوری جدید آمریکا، مهم‌ترین متحد اوکراین، تغییر داده است. ولودیمیر زلنسکی با این حال تأکید کرد که کی‌یف پیشنهاد «واگذاری» منابع حیاتی کشورش را نمی‌دهد بلکه موضوع تنها به یک مشارکت سوسومند متقابل برای توسعه مشترک این منابع اختصاص دارد. وی افزود: «آمریکایی‌ها بیشترین کمک را به ما کرده‌اند بنابراین باید بیشترین سود را ببرند. آنها در این زمینه از اولویت برخوردارند؛ من تمایل دارم در این خصوص با رئیس‌جمهور ترامپ صحبت کنم».

رئیس‌جمهوری اوکراین مدعی است که روسیه از طریق بررسی‌های زمین‌شناسی دوران شوروی که داده‌های آن پس از استقلال کی‌یف در سال ۱۹۹۱ به مسکو بازگردانده شد به طور دقیق می‌داند که منابع حیاتی این کشور در چه نقاطی قرار دارند. زلنسکی همچنین گفت که کی‌یف و کاخ سفید در حال بررسی ایده استفاده از سایت‌های ذخیره‌سازی عظیم گاز زیرزمینی اوکراین برای ذخیره گاز طبیعی مایع ایالات متحده هستند.



یورونیوز



نگرانی ترودو

جاستین ترودو، نخست‌وزیر کانادا در نشست تجاری در تورنتو، خطاب به شرکت‌کنندگان اعلام کرد که تمایل ترامپ برای الحاق کانادا به کشورش یک تهدید واقعی است و هشدار داد که رئیس‌جمهوری ایالات متحده خواهان دسترسی به منابع عظیم و موادمعدنی مهم ماست و در این نشست در جست‌وجوی راهی برای واکنش هماهنگ به تهدید ترامپ مبنی بر اعمال تعرفه ۲۵ درصدی بر کانادا بود.



تبادل اسرا در غزه

جنبش حماس (شنبه) سه اسیر اسرائیلی به نام‌های الیاهو داتسون و یوسف شرابی، اور ابراهیم لیشها لوی و اوهاد بن عامی را در منطقه دیرالبلح در مرکز نوار غزه تحویل صلیب سرخ داد و کمیته امور اسرا و آزادگان فلسطین نیز اعلام کرد که در چارچوب توافق آتش‌بس و مبادله اسرا با اسرائیل ۱۸۳ اسیر فلسطینی دیگر از زندان‌های اسرائیل آزاد می‌شوند.



قدردانی عراقچی از رهبر انقلاب

سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه با انتشار پیامی ضمن قدردانی از ابراز لطف رهبر انقلاب نسبت به دستگاه دیپلماسی تأکید کرد: وزارت خارجه در راستای ایفای وظایف ذاتی خود بر مبنای اصول سه‌گانه عزت، حکمت و مصلحت از همه ظرفیت‌ها برای پیشبرد سیاست خارجی فراگیر، فعال و اثرگذار در جهت تأمین منافع و امنیت ملی و افزایش اقتدار و منزلت کشور از طریق تعاملات دیپلماتیک استفاده خواهد کرد.

محکومیت جهانی

همزمان با گسترش مخالفت جهانی علیه طرح ترامپ برای غزه آمریکا کمک‌های خود به آفریقای جنوبی را در حمایت از اسرائیل قطع کرد!



گروه بین‌الملل: ارائه طرح جنجالی و یک طرفه از سوی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده در مورد غزه که بر پایه انتقال ساکنان این منطقه و کوچاندن اجباری فلسطینی‌ها به اردن و مصر استوار است، موج گسترده‌تری از مخالفت جهانی با این راهبرد خطرناک جمهوری خواهان را به راه انداخته است. در عراق شهروندان این کشور با برپایی تظاهراتی مخالفت خود را با طرح مذکور اعلام کردند. از سوی دیگر، شهروندان اردنی با برگزاری تظاهراتی در شهر آمان (پایتخت) و شماری از شهرهای مختلف این کشور مخالفت خود را با طرح رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر کوچاندن ساکنان نوار غزه به اردن و مصر اعلام کردند. طبق گزارش شبکه خبری الجزیره، تمامی این اعتراضات و تظاهراتها تحت عنوان مخالفت با کوچاندن فلسطینی‌ها در یک هماهنگی بی‌سابقه در اردن برگزار شد.

همچنین ساکنان شهر رباط، پایتخت مراکش شامگاه جمعه با تجمع در مقابل مقر پارلمان این کشور، اعتراض خود را به کوچاندن اجباری ملت فلسطین از نوار غزه، کرانه باختری و قدس اشغالی اعلام کردند. همچنین این تظاهرات اعتراضی که توسط «کمیته غیردولتی مراکش برای حمایت از فلسطین» برگزار شد، در ویسلان واقع در شمال مراکش هم گزارش شده است. نکته مهم در مورد مراکش این است که تا آویو و رباط ۱۹ دسامبر ۲۰۲۰ از سرگیری روابط دیپلماتیک خود که از سال ۲۰۰۰ متوقف شده بود را اعلام کرده و هیأت‌های دیپلماتیکی از سوی اسرائیل در سطوح مختلف به مراکش سفر کردند اما این سفرها از زمان آغاز جنگ علیه غزه در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ متوقف شدند. در همین رابطه، صدها تن از شهروندان موریتانیایی در مقابل سفارت آمریکا در نواکشوت (پایتخت) تجمع کرده و مخالفت قاطع خود را با طرح دونالد ترامپ درخصوص تصرف نوار غزه و کوچاندن اجباری فلسطینیان اعلام کردند. در اردن و مصر هم طی روزهای گذشته چنین تظاهراتی برگزار شد.

اما در این راستا باید توجه شود که ۵ کشور عربی از جمله عربستان، امارات، قطر، مصر و اردن پیش‌تر در نامه‌ای مشترک به دولت آمریکا مخالفت خود را با طرح ترامپ برای انتقال ساکنان غزه به مصر و اردن اعلام کردند. همچنین اتحادیه عرب در بیانیه‌ای به طرح ترامپ درباره کوچاندن فلسطینیان نوار غزه واکنش نشان داد. در این بیانیه آمده است: «بدون شک همه کشورهای عربی درباره اصول آرمان فلسطین اتفاق نظر دارند و از مهم‌ترین اصول نیز دستیابی ملت فلسطین به حقوق مشروع خود برای تشکیل کشور مستقل فلسطین در مرزهای ۱۹۶۷ به پایتختی قدس شرقی است». از سوی دیگر وزارت خارجه تشکیلات خودگردان فلسطین هم مواضع کشورهای عربی در این خصوص را تأیید کرد و مخالفت خود با این طرح را اعلام کرد. علاوه بر این آلمان، فرانسه، روسیه، ایرلند، انگلیس، ایتالیا، ترکیه، برزیل، یمن، استرالیا، اندونزی، اسپانیا، افغانستان، عراق، کویت، اسکانلند، چین و بسیاری دیگر از دولت‌های این طرح ترامپ را محکوم کردند و خواهان احترام به حقوق فلسطینی‌ها شدند.

نگرانی مصر و اردن

آنچه درخصوص طرح ترامپ باید مورد نظر قرار بگیرد این است که او اردن و مصر را به عنوان دو جغرافیای مورد نظر برای طرح در نظر گرفته است؛ چراکه این دو کشور به دلیل نزدیکی با اسرائیل و ایفای نقش در پرونده فلسطین طی دهه‌های گذشته از نظر او باید در این سناریو خطرناک مسئولیت جدید بپذیرند. در این راستا بارها و بارها مقامات دو کشور مذکور علیه

طرح مطرح شد و تاکنون هم واکنش‌ها به آن تند و تیز بوده است. در این راستا حالا اسرائیل به دنبال به راه انداختن یک دعوی سیاسی با محوریت کشورهای عربی است. به عنوان مثال بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل اعلام کرده که دونالد ترامپ به وی اطلاع داده که با تعدادی از کشورهای برای اجرای طرح کوچاندن فلسطینی‌ها در تماس است و در این راستا سعی کرد تا قطر را خطاب قرار دهد. او با اشاره به اجرای تبادل اسرا در غزه گفت «قطر باید انتخاب کند که به خاطر خاورمیانه جدید در کدام صف می‌ایستد. ما اعلام کردیم که برای آزادی اسرائیلیان می‌توانیم خیلی روی قطر حساب باز کنیم اما نمی‌توان این مساله را نادیده گرفت که قطر شبکه الجزیره را اداره می‌کند که جهان عربی و اسلامی را تحریک می‌کند».

به موازات این روند اما موضع عربستان هم باید مد نظر قرار بگیرد. ترامپ در کنفرانس خبری خود با نتانیاهو در کاخ سفید اعلام کرده بود که عادی‌سازی روابط عربستان و رژیم اسرائیل بدون تشکیل کشور مستقل فلسطین انجام خواهد شد که با واکنش منفی ریاض روبه‌رو شد. علاوه بر موضع اخیر وزارت خارجه عربستان علیه این اظهارات ترامپ اخیراً یوسف بن طراد السعدون، عضو مجلس شورای عربستان در واکنش به طرح دونالد ترامپ علیه غزه اعلام کرده که «اگر ترامپ می‌خواهد قهرمان صلح باشد و ثبات و شکوفایی را در خاورمیانه برقرار کند، بهتر است دوستان اسرائیلی خود را ابتدا به آلاسکا سپس به گرینلند پس از الحاق آن به آمریکا منتقل کند!».

اما نکته آخر جنگ ترامپ علیه آفریقای جنوبی است؛ به گونه‌ای که پس از تحریم دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) توسط ترامپ، او باامداد شنبه در پی اقدام آفریقای جنوبی در متهم کردن اسرائیل به نسل‌کشی در غزه در دیوان کیفری بین‌المللی، فرمانی اجرایی برای قطع کمک‌های مالی و واشنگتن به این کشور امضا کرد تا این کشور را زیر فشارهای اقتصادی-سیاسی خود قرار دهد. در مقابل سیریل رامافوسا، رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی ضمن محکوم کردن این اقدام گفت که کشورش بر اساس تعهدات خود طبق کنوانسیون منع نسل‌کشی، شکایتی را علیه اسرائیل در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح کرد؛ چراکه مردم فلسطین ده‌ها تحت اشغال غیرقانونی، رنجی غیرقابل توصیف را تحمل کرده‌اند.

این طرح موضع گرفته‌اند و حتی با صدور بیانیه‌های رسمی از مجرای مختلف اعلام کردند که نمی‌خواهند در این طرح دولت محافظه‌کار ایالات متحده مشارکت داشته باشند. در این راستا عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور مصر و آنتونیو گوتش، دبیرکل سازمان ملل (شنبه) به صورت تلفنی با یکدیگر گفت‌وگو کردند و علاوه بر مخالفت با کوچاندن اجباری فلسطینیان بر لزوم تسریع در آغاز عملیات بازسازی نوار غزه تأکید کردند. عبدالفتاح السیسی و آنتونیو گوتش همچنین بر نقش کلیدی آژانس امدادسانی و کارایی سازمان ملل در امور آوارگان فلسطینی (آنرو) و اهمیت یکپارچه‌سازی تلاش‌های جامعه بین‌المللی برای حمایت از این آژانس تأکید کردند و مجدداً خواهان اجرای طرح دو کشور شدند.

در این راستا موضع اردن هم قابل تأمل است. ایمن الصفدی، وزیر امور خارجه اردن در واکنش به طرح ترامپ اعلام کرد که در صورت هرگونه تلاش برای کوچ اجباری فلسطینی‌ها به اردن با تمام توان در برابر آن خواهیم ایستاد؛ چراکه این اقدام برای اردن به منزله اعلان جنگ است و ما در این مورد خواهیم جنگید. پیش از این نیز عبدالله دوم، پادشاه اردن اعلام کرد که کشورش با هرگونه تلاش برای الحاق اراضی اشغالی فلسطینی و اسکان آنها در کشورهای عربی مخالف است.

اینکه چرا اردن تا به این اندازه نگران چنین طرحی است و از اساس با آن مخالفت می‌کند، دلایل زیادی دارد که یکی از آنها تضعیف دولت این کشور است. بسیاری از تحلیلگران اعتقاد دارند که به دلیل حضور میلیون‌ها فلسطینی در اردن و حتی با وجود حل شدن آنها در جامعه این کشور، هرگونه تحریک جامعه این کشور و عدم پاسخگویی به آن از سوی آمان علاوه بر مخدوش کردن وجهه پادشاهی اردن، می‌تواند شکاف‌های جدی اجتماعی در اردن به وجود بیاورد. از سوی دیگر مقامات اردن معتقدند که این طرح ترامپ و اجرای آن می‌تواند به مثابه انتقال بحران از نقطه‌ای به نقطه دیگر عمل کند و تنها راه‌حل آن پایان اشغالگری توسط اسرائیل است.

دعوی سیاسی با محوریت نتانیاهو

بدون‌شک منشأ این وضعیت را باید اسرائیل و نتانیاهو دانست؛ چراکه با سفر وی به واشنگتن و دیدار با ترامپ این

شبکه آقاخان

فرهاد دفتری در امامان اسماعیلی زندگی و زمانه امامان این گروه از آغاز تا کریم آقاخان را شرح داده است

ادبیات جهان

نیمه پنهان نویسنده

انتشار یادداشت‌های خصوصی جوان دیدون



جوان دیدون، نویسنده و جستارنویس آمریکایی در یادداشت‌های خود که قرار است تحت عنوان «یادداشت‌هایی برای جان» منتشر شود، درباره الکلیسم، افسردگی و رابطه پیچیده‌اش با دخترخوانده‌اش نوشته است. این دفترچه یادداشت که در خانه جوان دیدون پیدا شده، قرار است در ماه آوریل منتشر شود.

این دفترچه که پس از درگذشت این نویسنده آمریکایی در سال ۲۰۲۱ در یکی از کشورهای پایگانی کنار میز کار او پیدا شد، خطاب به همسرش، جان گرگوری دون نوشته شده است. دون در سال ۲۰۰۳ درگذشت. یادداشت‌های این دفترچه از دسامبر ۱۹۹۹ آغاز می‌شود و جلساتی که دیدون در آن زمان با یک روان‌پزشک داشته، روایت می‌کند. طبق نامه‌ای که دیدون در همان دوران به یکی از دوستانش نوشت، خانواده‌اش در آن سال‌ها «دوران سختی» را سپری می‌کردند. در جلسات روان‌درمانی که در این یادداشت‌ها ثبت شده‌اند، دیدون درباره دوران کودکی، الکلیسم، افسردگی و هم چنین رابطه خود با دخترخوانده‌اش، کوینتانا، صحبت کرده است. کوینتانا که با بیماری‌های روانی و اعتیاد به الکل دست‌وپنجه نرم می‌کرد، سال ۲۰۰۵ در ۳۹ سالگی درگذشت.

به گفته انتشارات بریتانیایی «۴th Estate» از زیرمجموعه‌های انتشارات هارپرکالینز، گفت‌وگوهای دیدون با روان‌پزشکش «نقشی کلیدی در درک او از مضامینی داشت که بعدها در آثار برجسته خود از جمله «جایی که از آن بودم»، «سال تفکر جادویی» و «شبه‌های آبی» به آن‌ها پرداخت. «کیشانی ویداریاتا، مدیر این انتشارات در این باره گفت: «مایه افتخار است که این کتاب خارق‌العاده را به دست خوانندگان می‌رسانیم. (یادداشت‌هایی برای جان» تصویری عمیقاً تأثیرگذار و حیرت‌انگیز از شخصیتی را ارائه می‌دهد که وری چهره ادبی تحسین شده‌اش قرار دارد. این کتاب هم‌چنین دیدگاهی نادر درباره منشأ برخی از ارزشمندترین آثار دیدون ارائه می‌دهد.»

جوان دیدون که در آثارش رویکردی مردم‌شناسانه به فرهنگ و سیاست داشت و در طول مدت ۶ دهه به صراحت در مقاله‌هایش درباره مسائل گوناگون جامعه آمریکا می‌نوشت در سال ۲۰۲۱ و در سن ۸۷ سالگی در نیویورک و بر اثر عوارض ناشی از بیماری پارکینسون درگذشت. او به عنوان یک چهره برجسته زن در جنبش مرد-محور «ژورنالیسم جدید» در کنار «تام ولف» و «ترومن کاپوتی» و «گای تیلز»، نگاه قیفی را به جامعه آمریکا هم‌چنین زندگی خود داشت که ماحصل آن در کتاب‌هایی از جمله «به سوی بیت‌لحم» و «آلبوم سفید» گردآوری شده است. دیدون در سال ۲۰۰۵ نیز کتاب زندگی‌نامه‌اش با عنوان «سال تفکر جادویی» را نوشت که در آن به روایت از دست دادن همسرش، جان گرگوری دون پرداخت که این کتاب به جمع نامزدهای نهایی جایزه پولیتزر هم راه یافت و حتی اقتباسی از آن در تئاتر برادوی به روی صحنه رفت. جوان دیدون در زمینه فیلم‌نامه‌نویسی نیز فعال بود و نگارش چندین فیلم‌نامه از جمله «ستاره‌های متولد شده»، «اعتراقات واقعی» و «وحشت در نیدل پارک» را در کارنامه داشت. دیدون به شدت تحت تأثیر آرنست همینگوی قرار داشت. سبک نگارش همینگوی به او اهمیت نحوه عملکرد جمله‌ها در متن را آموخت. کسانی دیگری که روی او تأثیر داشتند شامل هنری جیمز که «جمله‌ها کامل، غیر مستقیم، پیچیده» را نوشت و جورج الیوت بودند. دیدون به خاطر نگارش «تفکر جادویی» سال ۲۰۰۵ جایزه ملی کتاب غیرداستانی را دریافت کرد، کتابی که به‌طور گسترده‌ای شناخته شده و سال ۲۰۰۷ مدال سالانه بنیاد ملی کتاب را برای کمک‌های برجسته به نامه‌های آمریکایی دریافت کرد. درباره نثر ادبی او گفته شده: «بیش از ۴۵ سال ناظر متبحر سیاست و فرهنگ آمریکا بوده است. ترکیبی متمایز از نثر اضافی، نثر زیبا و هوش سرشار او باعث شده است تا کتاب‌های دیدون جایگاه خود را در ادبیات آمریکا هم‌چنین تحسین نسل‌های نویسندگان و روزنامه نگاران را دربرداشته باشد.» سال ۲۰۰۷ دیدون هم‌چنین برنده جایزه بارکی اولین از انجمن نویسندگان آمریکا را کسب کرد.

شاه کریم حسینی، مشهور به آقاخان چهارم یا کریم آقاخان، چهل‌ونهمین امام شیعیان اسماعیلیه، هفته گذشته ۴ فوریه (۱۶ بهمن) در ۸۸ سالگی درگذشت و پسرش رحیم حسینی «طبق وصیت‌نامه آقاخان چهارم و بر اساس سنت و رویه تاریخی شیعیان اسماعیلی» به‌عنوان آقاخان جدید (آقاخان پنجم) و پنجاهمین امام اسماعیلی تعیین شد. خاندان آقاخان یکی از تأثیرگذارترین خاندان‌های مرتبط با تاریخ معاصر شیعیان اسماعیلی محسوب می‌شوند. این خاندان از قرن نوزدهم تاکنون رهبری این گروه را بر عهده داشته و نقش مهمی در تحولات مذهبی، اجتماعی و سیاسی جوامع اسماعیلی ایفا کرده است. نشر فرزاد روز به‌تازگی کتاب «امامان اسماعیلی» فرهاد دفتری را با ترجمه خشایار بهاری منتشر کرده است. این کتاب شرح حال تاریخی امامان اسماعیلی از آغاز تا دوره آقاخان چهارم است.

نزاریان از الموت تا لندن

اسماعیلیان که نام خود را از اسماعیل بن جعفر به عنوان جانشین معنوی امام جعفر صادق (ع) گرفته‌اند پس از شیعیان اثنی‌عشری دومین جماعت بزرگ مسلمانان شیعی مذهب را تشکیل می‌دهند و در حال حاضر به صورت اقلیت‌های مذهبی در بیش از ۲۵ کشور پراکنده هستند. جریان اسماعیلیه از مصر و دربار خلفای فاطمی مصر برخاست و مشاخره بر سر جانشینی المستنصر بالله، اسماعیلیان را به دو دسته نزاری و مستعلوی تقسیم کرد. اسماعیلیان مستعلیه، طیب بن منصور ابوالقاسم را امام بیست‌ویکم و غایب می‌دانند اما امامت نزاریان تا به امروز ادامه پیدا کرده است و کریم آقاخان امام چهل‌ونهم نزاریان بود. فرهاد دفتری که از اسماعیلیه‌شناسان برجسته است و کتاب‌های بسیاری در این حوزه نوشته در کتاب «امامان اسماعیلی» شرحی تاریخی از نخستین امامان شیعه و در ادامه امامان اسماعیلی تا پایان دوره «استر» یا اختفای آنان از حضور در بین عموم سپس امام خلفای فاطمیون، بعد از آن دوره الموت، و آن‌گاه چهار امام متأخر موسوم به آقاخان آورده و برای اولین بار شرح حال ۴۹ امام اسماعیلیه را به‌گونه‌ای منسجم ارائه می‌دهد. «امامان اسماعیلی» ۹ بخش دارد که عبارتند از «امامت اسماعیلی در تاریخ»، «امامان آغازین»، «امامان مستور»، «اولین امامان - خلفای فاطمی»، «امامان الموت»، «امامان نخست دوران پسالموت»، «امامان دوره انجمن»، «امامان در قرن هجدهم م. / دوازدهم هجری» و «امامان در عصر جدید». دفتری معتقد است، اسماعیلیان به رغم تاریخی طولانی و سهمی که در تحول تمدن اسلامی داشته‌اند، تا روزگاران اخیر به‌طور صحیح مورد شناسایی قرار نگرفته و در واقع بیشتر افسانه‌ها و توصیفات نادرست درباره تاریخ و تعالیم آن‌ها رواج داشته است. به گفته او از دهه ۱۳۲۰ با دسترسی به تعداد زیادی از متون اسماعیلی مطالعات اسماعیلی دچار تحولی بی‌سابقه شد و تألیف کتاب «امامان اسماعیلی» منعکس‌کننده پیشرفت فوق‌العاده در مطالعات جدید اسماعیلی است.

عصر آقاخان

«امامان در عصر جدید» که بخش نهم و پایانی کتاب «امامان اسماعیلی است» به شرح برآمدن خاندان آقاخان و تداوم رهبری آن‌ها تا آقاخان چهارم اختصاص دارد. چهل‌وپنجمین امام نزاری به نام شاه خلیل‌الله از فرقه قاسم شاهی در سال ۱۱۵۳ق در شهر کرمان متولد شد و بعد از پدرش در سال ۱۲۰۶ق به امامت رسید. او چندی



پس از به امامت رسیدن در سال ۱۲۳۰ق به یزد سفر کرد اما پس از ۲ سال توقف در آن شهر در جریان منازعه‌ای که میان مریدانش با کسبه محلی بازار یزد اتفاق افتاد، کشته شد. بی‌بی سرکاره، همسر خلیل‌الله به دربار قاجار رفت تا در این خصوص شکایت کند. فتحعلی شاه بنا به دلایلی از جمله موقعیت اسماعیلیه از آنها حمایت کرد و حتی دختر خود سرو جهان خانم را به عقد حسن علی‌شاه پسر و جانشین شاه خلیل‌الله درآورد و با اعطای لقب «آقاخان» او را به حکمرانی قم منصوب کرد. بدین ترتیب حسن علی‌شاه به عنوان آقاخان اول و چهل‌وششمین امام اسماعیلیه شناخته شد و عنوان «آقاخان» در سلسله جانشینان حسن علی‌شاه موروثی شد.

آقاخان اول در زمان محمد شاه، جانشین فتحعلی شاه به والی‌گری کرمان رسید اما اندکی بعد رابطه او با دربار قاجار به تیرگی گرایید و پس از برکنار شدن از حکومت کرمان دست به شورش زد. در نهایت حسن علی‌شاه از نیروهای قاجار شکست خورد و به افغانستان رفت و در قندهار مستقر شد. از آن پس رابطه‌ای نزدیک میان آقاخان اول و راج بریتانیا در هند شکل گرفت. آقاخان اول سال ۱۲۶۱ق به گجرات رفت و با قامت دانش در بمبی (سال ۱۲۶۵ق) عصر جدید تاریخ اسماعیلیان آغاز شد. با درگذشت آقاخان اول در سال ۱۲۹۸ق، پسر بزرگش آقا علی‌شاه که نوه دختری فتحعلی شاه بود، به‌عنوان چهل‌وهفتمین امام اسماعیلی جانشین او شد و به آقاخان دوم معروف شد. آقاخان دوم به ارتباط نزدیک با بریتانیا ادامه داد و در طول امامتی که تنها چهار سال به درازا کشید، شبکه جدیدی ارتباطی میان پیروان خود در سراسر جهان به راه انداخت. با درگذشت آقا علی‌شاه در سال ۱۳۰۲ق، تنها اولاد ذکورش سلطان محمد شاه (پسر شمس‌الملوک نوه فتحعلی شاه) جانشین او و ملقب به آقاخان سوم شد. او که هنگام آغاز امامتش تنها ۸ سال داشت تحت نظارت دقیق مادرش که در حلقه‌های اجتماعی هند بریتانیا لیدی علی‌شاه نامیده می‌شد، پرورش یافت. آقاخان سوم سال ۱۳۱۶ق به اروپا رفت و دو سال بعد در پاریس با مظفرالدین شاه دیدار کرد. آقاخان سوم که از بازگشت به ایران امید شده بود به این نتیجه رسید که باید از طریق حضور در مجامع بین‌المللی، ساخت مدارس و دانشگاه‌ها، انجام کارهای عام‌المنفعه و ساخت بیمارستان‌ها، پادشاهی بدون قلمرو



امامان اسماعیلی

شرح حال تاریخی، فرهاد دفتری
ترجمه خشایار بهاری، نشر فرزاد روز
۳۱۵ صفحه، ۱ میلیون تومان

خود را گسترش دهد. او از بنیان‌گذاران حزب بزرگ مسلم لیگ هندوستان و از موسسان دانشگاه علیگر هم‌چنین به مدت یک سال رئیس جامعه ملل (نسخه قدیمی سازمان ملل متحد) بود. او نخستین مسلمان و نخستین آسیایی بود که به عنوان رئیس جامعه ملل انتخاب شده بود. آقاخان سوم از تغییرات سریعی که در جهان رخ می‌داد بسیار آگاه بود و می‌دانست برای بقای آقاخانیه باید با این تحولات سریع هماهنگ شد برای همین به جای پسرش، نوه خود را جانشین امامت کرد. آقاخان سوم پس از ۷۲ سال امامت سرانجام در ۲۰ تیر ۱۳۳۶ / ۱۱ ژوئیه ۱۹۵۷ درگذشت. آقاخان سوم در وصیت‌نامه‌اش تصریح کرده بود که با در نظر داشت تغییرات گسترده در جهان، مصلحت اسماعیلیان در آن است که امام‌شان جوانی پرورش یافته و تحصیل کرده در جهان مدرن باشد. بنابراین به جای دو پسرش، نوه‌اش کریم، پسر پرنس علی‌خان را به جانشینی منصوب کرد. کریم آقاخان در دانشگاه هاروارد تحصیل کرده بود، در فرانسه و سوئیس زندگی کرد و به شدت بر مدرن‌سازی و اصلاح ساختارهای اسماعیلیه متمرکز بود. او شبکه‌ای از مؤسسات خیریه، آموزشی و اقتصادی در سراسر جهان ایجاد کرد و از حمایت برخی دولت‌های اروپایی برخوردار شد. هم‌چنین با راه‌اندازی جایزه معماری آقاخان، جوایز موسیقی آقاخان، موسسه مطالعات اسماعیلی در لندن و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های توسعه‌ای در آفریقا و آسیا، جایگاه خاندان خود را در میان جوامع جهانی مستحکم‌تر کرد. سال ۱۳۶۵ / ۱۹۸۶ با انتشار سندی با عنوان «اساس‌نامه مسلمانان شیعه امامی اسماعیلی» توسط کریم آقاخان، فصل جدیدی در تاریخ اسماعیلیان رقم خورد. بر اساس این اساس‌نامه شورایی در ۲۰ کشور مستقر شده است که در هر کدام، یک شورای ملی امور شبکه شوراهای منطقه‌ای و محلی را هدایت و بر آن نظارت می‌کند. حالا رحیم‌الحسینی ۵۳ ساله، پسر کریم آقاخان به عنوان پنجمین آقاخان و پنجاهمین امام اسماعیلی میراث‌دار این شبکه گسترده و پیچیده شده است. رحیم آقاخان تا قبل از درگذشت پدرش در هیأت‌مدیره چندین سازمان وابسته به شبکه آقاخان حضور داشت و به‌طور خاص فعالیت‌های «مؤسسه مطالعات اسماعیلی» و نهادهای اجتماعی جامعه اسماعیلی را مدیریت می‌کرد.

شناسه آگهی: ۱۸۷۹۰۳۷ **نوبت دوم**

آگهی فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله‌ای فشرده
شماره مناقصه عمومی ۰۸/م خ/۱۴۰۳
شماره تقاضا: ۰۲۰۱۷۹۰-۴۸ شرح تقاضا: برج روشنایی اضطراری

شرکت بهره برداری نفت و گاز مارون در نظر دارد کالای مشروحه ذیل را از طریق برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله‌ای فشرده تهیه نماید. لذا با توجه به الزام درج مناقصات در سامانه ستاد ایران، مناقصه گران میبایست اسناد مناقصه را در مهلت تعیین شده از سامانه ستاد ایران (www.setadiran.ir) دریافت نموده و تا قبل از پایان مهلت ارسال پاسخ اسناد و پاکت خواسته شده را (اسناد ارزیابی کیفی و پاکت الف‌ب و ج) طبق مدارک اعلام شده در اسناد مناقصه بارگذاری نمایند.

•• مدارک حمایت از تولید داخل کالای مورد نظر میبایست از سازندگان داخلی تأمین گردد.
•• مدارک مورد نیاز جهت ارزیابی کیفی (طبق فرم ارزیابی کیفی اسناد مناقصه) ۱- آخرین صورتهای مالی حسابرسی شده (۵ سال آخر) به همراه اظهارنامه و فیش های پرداخت مالیات قطعی ۲- قرارداد های مرتبط با موضوع مناقصه به همراه حسن انجام کار
۳- لیست پرسنل و تصویر مدارک تحصیلی پرسنل کلیدی به همراه لیست بیمه ۴- مدارک ایزو ۱۴۰۰۱، ۱۴۰۰۱، ۱۸۰۰۱ معتبر
۱- مبلغ برآورد مناقصه: ۵۸۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال
۲- نوع و مبلغ تضمین: ضمانتنامه معتبر بانکی شرکت در مناقصه (فرآیند ارجاع کار) به مبلغ ۹۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال
۳- ارائه ضمانتنامه معتبر بانکی دارای اعتبار شش ماه الزامی است. (سایر ضمانتنامه های دارای اعتبار کمتر از زمان اشاره شده قابل پذیرش نمی باشند.
۴- آخرین مهلت تقاضای شرکت در مناقصه و بارگذاری مدارک ارزیابی کیفی و پاکت فنی، مالی و ضمانت نامه طبق زمان بندی در سامانه ستاد ایران می باشد.
۵- مناقصه گرانی که اسناد مناقصه را در مهلت تعیین شده در سامانه ی ستاد ایران (مهلت دریافت اسناد) دالود ننمایند، قادر به بارگذاری (اسناد ارزیابی کیفی و پاکت الف‌ب و ج) نخواهند بود.
آدرس جهت ارسال ضمانتنامه: اهواز- منطقه برومی- کیلومتر ۱۲ جاده اهواز/ سریندر- نرسیده به پلیس راه - شرکت بهره برداری نفت و گاز مارون - ساختمان دو طبقه (ستادی) - طبقه ی همکف- کمپسین مناقصات- تلفن: ۰۶۱۳۴۱۸۸۳۳۴-۰۶
۶- بارگذاری پاکت ضمانت نامه(الف)، پاکت فنی (ب) و مالی (ج) همزمان با اسناد ارزیابی کیفی می باشد.
۷- تاریخ و محل گشایش پاکت مالی: متناقباً اعلام خواهد شد.
۸- حداکثر زمان تحویل کالا: ۱۰۰ روز پس ابلاغ سفارش کتبی
۹- ارائه ضمانت حسن انجام تعهدات به میزان ۱۰٪ مبلغ مورد معامله توسط برنده مناقصه قبل از سررسید ضمانتنامه فرآیند ارجاع کار ضروری می باشد.
نکته: هزینه درج آگهی و مراتب تجدید درج فرآیند از برنده مناقصه کسر خواهد شد.

تعداد	واحد	شرح کالا	قیم
۰۶	NO	برج روشنایی اضطراری (Lighting Tower) سیار (مشخصات تکمیلی در سامانه ستاد و سایت شرکت مارون)	۱

تمامی اطلاعات بعدی و آگاهی سازی مناقصه در سامانه ستاد بارگزاری خواهد شد.
برای دریافت اطلاعات تکمیلی به سایت های ذیل مراجعه شود.
آدرس سایت ستاد ایران: http://setadiran.ir
http://mogpc.nisoc.ir

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱۱/۲۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۱/۲۱

روابط عمومی شرکت بهره برداری نفت و گاز مارون

بلندپروازی حاتمی‌کیا با موسی کلیم‌الله

ابری پروژه موسی چطور شکل گرفت و چگونه به این کارگردان سینما سپرده شد



گلاویز نادری
گروه سینما و تلویزیون

ابراهیم حاتمی‌کیا سال‌ها پیش در نشست نقد و بررسی سریال «خاک سرخ» که در تالار اندیشه حوزه هنری برگزار شد، در پاسخ به اینکه چرا سریالش به اندازه فیلم‌های سینمایی‌اش به لحاظ داستانی و ضریب‌انداز قدرت ندارد، گفت: «من متخصص پروازهای ۱۰۰ دقیقه‌ای بودم و تجربه ساخت سریالی با این تعداد قسمت را نداشتم». حالا بیش از ۲۰ سال از آن روزهای می‌گذرد. او با به ۶۳ سالگی گذشته و یک سریال دیگر هم پس از «خاک

سرخ» جلو دربررسی برد که جزو برترین کارهای او به حساب نمی‌آید. اما این روزها او خود را برای پروازی بسیار بلندمدت‌تری آماده می‌کند. سریالی در دست ساخت دارد که تولیدش حدود ۱۰ سال زمان خواهد برد و احتمالاً یکی از مجموعه‌های ۱۰۰ قسمتی تلویزیون است با تکنولوژی غربی که تنها یکی، دو اثر در سراسر دنیا با آن تولید شده‌اند و البته هنوز تمامی تجهیزاتش به ایران راه پیدا نکرده، ساخته خواهد شد. مدیران تلویزیون بنا را بر این گذاشته‌اند که با ورود ویدئووال‌هایی به اندازه ۶۰۰ متر، تولید این سریال الف ویژه که از مجلس شورای اسلامی بودجه‌ای اختصاصی و جداگانه حدود ۳ هزار میلیارد دریافت کرده در هرچه سریع‌تر به سرانجام برسانند. سریالی که درباره حضرت موسی و قوم بنی‌اسرائیل است. دو سال پیش حاتمی‌کیا مشغول کار روی اثری درباره حاج قاسم سلیمانی بود. اگر قرار باشد در ایران نسخه‌ای سینمایی درباره این سردار شهید ساخته شود به طور حتم کارگردانی غیر از او برای ساخت این پروژه انتخاب نخواهد شد. احتمالاً یکی از آرزوهای حاتمی‌کیا هم همین است که روزی با فراغ بارغ سراغ چنین پروژه‌ای برود اما حالا حالاها این امکان برای او فراهم نخواهد شد و باید امید داشته باشد که کارگردان تازه‌نفسی برای ساخت پروژه حاج قاسم جایگزین او نشود. مرحوم فرج‌الله سلحشور که مجموعه «یوسف پیامبر» یکی از پر مخاطب‌ترین سریال‌های تلویزیونی است، تصمیم گرفت ساخت این

سریال را در دست بگیرد. بخش‌های زیادی از فیلمنامه را هم نوشت اما اجل مهلتش نداد. مدت کوتاهی پس از مرگ او جمال شورشجه مأموریت پیدا کرد که کار سلحشور را ادامه دهد. او هم با تیمش مشغول بازنویسی فیلمنامه شد اما دست بر قضا بیماری مانع از حضور او در این پروژه شد. سریال «موسی» مانده بود و دو کارگردانی که نتوانستند آن را به سرانجام برسانند. انگار از ابتدا هم قرعه به نام فرد دیگری افتاده بود و او باید کار را به نتیجه می‌رساند. بسیاری تلاش کردند تا شورشجه دوباره بر سر کار برگردد حتی مدیران تلویزیون یک سال مهلت دادند که او حالش مساعد شود و دوباره

ادامه تیتراک

موسی به روایت ابراهیم

تلاششان نیز عمدتاً بر این امر استوار بود که مکمل مرد داستان باشند. به همین دلیل به غیر از فیلم دعوت که چند داستان با محوریت مسائل زنان و سقط جنین بود، در دیگر آثار حاتمی‌کیا، زن جزئی از یک کل بود.

اما در فیلم موسی، زنان کنشگران جامعه خود هستند. آن‌ها افرادی هستند که اگرچه در دو سوی قطب جامعه و حکومت ایستاده‌اند اما در هنگامه جدال و جدل خواسته و ناخواسته از هم حمایت می‌کنند و تلاششان تغییر وضعیت موجود به نفع خودشان و جامعه‌شان است.

اما موسی درباره چیست و ما با کدام بخش از داستان زندگی پیامبر بنی‌اسرائیل روبه‌رو هستیم؟ آنچه در فیلم به نمایش درمی‌آید یک داستان قدیمی، کهن و جاوید است که بخشی از اسطوره‌های دینی است. فرعون ستمگر زمانه بر اساس خوابی که می‌بیند و تعبیر آن، کودکان را می‌کشد تا تخت سلطنتش برقرار بماند. کودک‌کشی به خواست کاهنان مطرح می‌شود و اساس فیلم بر این امر بنا می‌شود تا کودکی که مخفیانه در روزی خاص به دنیا آمده و منجی قوم بنی‌اسرائیل است، نجات یابد. پس مادر موسی در میانه هراس و نگرانی به ندای درونی قلبش گوش می‌دهد و فرزند خود را به خدا و رود نیل می‌سپارد اگرچه همچنان نگران است: مادر موسی، چو موسی را به نیل / در فکته، از گفته رب جلیل

کارگردانی «موسی» را از سر بگیرد اما انگار سرنوشت چیز دیگری برای این پروژه زده بود.

مدیران تلویزیون پس از آنکه مطمئن شدند، شورشجه نمی‌تواند آنها را همراهی کند به فکر سپردن کار به کارگردانی دیگر افتادند. در آن زمان حاتمی‌کیا مشغول پروژه حاج قاسم بود. کار را شروع نکرده اما نیت‌اش این بود که آن پروژه را کارگردانی کند. مدیران تلویزیون موضوع را با او در میان گذاشتند. حاتمی‌کیا راضی به کارگردانی چنین پروژه عظیمی نبود و ترجیح‌اش این بود که همان پروازهای ۱۰۰ دقیقه‌ای‌اش را پی بگیرد. اما از جای دیگری به او تکلیف شد که پیشنهاد مدیران تلویزیون را بپذیرد. کارگردانی که با دغدغه و ایدئولوژی خاص خود دست به ساخت آثار سینمایی



می‌زنند، ترجیح می‌دهند با وجود همه گرفتاری‌ها و دشواری‌های این حرفه، دغدغه‌ها و علاقه‌مندی‌های خود را پی بگیرند و فیلم‌های خود را بسازند. ساخت ابرپروژه‌ای مانند «موسی کلیم‌الله» برای کارگردانان سینما آتقد سخت و دشوار است که به راحتی تولید چنین اثری را نمی‌پذیرند اما از آنجا که حاتمی‌کیا مکلف به ساخت این سریال شده بود، نمی‌توانست از انجام آن شانه خالی کند. پیشنهاد را بپذیرفت و مشغول بررسی فیلمنامه‌هایی شد که برای این پروژه نوشته و آماده شده بود. سناریویی که مرحوم سلحشور نوشته بود به نظر او نزدیک‌تر بود. با این حال همراه با همکارانش

مشغول بازنویسی فیلمنامه‌ای تازه از آن سناریو شد. اما از آنجا که تولید چنین مجموعه الف و یزه‌ای، هزینه و امکانات مخصوص به خود را طلب می‌کند باید بودجه‌اش ورای آنچه باشد که در رسانه ملی وجود دارد. به همین خاطر مجلس شورای اسلامی، بودجه‌ای خارج از بودجه این سازمان برای دو سریال فاخر تلویزیون یعنی «سلمان فارسی» و «موسی» تصویب کرد که حدود ۳ هزار میلیارد به «موسی» تخصیص داده شد.

حالا باید برای چگونگی تولید این ابرپروژه تصمیم‌گیری می‌شد، مدیران تلویزیون تصمیم داشتند ۱۱۰ هکتار برای ساخت آن دکور بزنند و شهرک سینمایی تازه‌ای تأسیس کنند که محمود رضوی به عنوان تهیه‌کننده با این پیشنهاد کنار نیامد. او تیم تحقیق و پژوهشی به راه انداخت که درباره ساخت چنین مجموعه‌هایی در دنیا بررسی کنند و آنها به این نتیجه رسیدند که با روش‌های طراحی جلوه‌های ویژه مدرن و به‌روز هم هزینه ساخت دکور و هم زمان آن را کاهش دهند و حتی مدت زمان تولید را هم کم کنند. اما چنین تولیدی نیاز به واردات تجهیزات و ویدئووال‌هایی داشت که باید از خارج از ایران وارد می‌شد و با وجود همه تمهیدات هنوز هم این اتفاق رخ نداده است. اما صبر و تحمل حاتمی‌کیا اندازه داشت و رضوی که می‌دانست، یک کارگردان سینما را نمی‌توان چند سال معطل شروع یک پروژه نگه داشت، تصمیم تازه‌ای گرفت.

او پیشنهاد ساخت فیلم سینمایی «موسی کلیم‌الله» را به مدیران تلویزیون داد و به حاتمی‌کیا هم گفت برای انجام آزمون و خطا برای شروع این ابرپروژه این پیشنهاد را بپذیرد. هر دو طرف پس از مدتی پیشنهاد تهیه‌کننده را پذیرفتند و حالا حاتمی‌کیا باید پرواز کوتاه‌مدتی را با «موسی کلیم‌الله» آغاز می‌کرد. پروژه از نیمه اول امسال وارد تولید شد و تمامی سکانس‌های آن در استودیویی بزرگ با طراحی تازه در ابعاد کوچک‌تری از آنچه پیش‌بینی شده بود، کلید خورد. در واقع فیلم سینمایی «موسی کلیم‌الله»، به وقت طلوع، دست‌گرمی حاتمی‌کیا برای شروع پروژه‌ای بزرگ است که زمان زیادی از عمر و زندگی او را به خود اختصاص خواهد داد. اما حالا که هم مردم از آن استقبال کردند و هم منتقدان رضایت خود را نشان دادند، مطمئن‌تر از قبل وارد این پروژه خواهد شد.

فلاک «موسی کلیم‌الله» یکی از فیلم‌های پر مخاطب جشنواره است. تعداد زیادی سانس فوق‌العاده را به خود اختصاص داده و در میانه فیلم‌های برتر مخاطبان جاسا دارد. هر چند برخی از منتقدان از طراحی جلوه‌های ویژه آن ایراد گرفتند و آن را درخور چنین پروژه‌ای ندانستند اما قصه و ساختار با تمامی ایرادهايش توانسته آنها را راضی کند. می‌ماند قضاوت داوران که در میان چند فیلم برتر امسال چه جایگاهی برای فیلم حاتمی‌کیا قائل شوند و او را لایق چه جایزه‌ای بدانند. فقط کاش حاتمی‌کیا این بار فقط به فکر پرواز طولانی‌مدت‌اش باشد و به جایزه یک جشنواره سینمایی برای آزمون و خطای یک ابرپروژه تلویزیونی اکتفا نرهد هم اهمیت ندهد.

زن معاصر در یک روایت کهن. به همین دلیل نباید «موسی» را تنها بازگویی یک روایت کهن بدانیم. چه بسیار روایت‌های کهنی که دستمایه سخنان جدید قرار گرفته‌اند و به ماهیت قدرت، سرنوشت و نقش انسان در تاریخ پرداخته‌اند. به همین دلیل ما با حاتمی‌کیایی روبه‌رو هستیم که اگرچه دغدغه‌های همیشگی خود را که پرداختن به اتفاقات و رخداد‌های روز دنبال کرده اما این بار دورین خود را به سوی زنان چرخانده و از یک زن مکمل شخصیت اصلی به زنان تاریخ‌ساز رسیده است خود روایت‌اند. آن‌هایی نقش‌آفرینان اصلی‌اند و از دل ضعف، قدرتی تازه خلق می‌کنند. به همین دلیل در بطن روایت حاتمی‌کیا این یک حقیقت فلسفی مطرح می‌شود که: «آیا تقدیر، سرنوشت ما را می‌سازد یا این ما هستیم که تقدیر را می‌نویسیم؟» مادر موسی، آسیه و قابله‌ی دربار، هر سه زنایی هستند که در بزنگاه‌های دشوار، انتخاب می‌کنند که برخلاف جریان قدرت حرکت کنند. آن‌ها نشان می‌دهند که اختیار حتی در سخت‌ترین لحظات از جبر نیرومندتر است. این فیلم به ما یادآوری می‌کند که تاریخ نه با فرامین قدرتمندان بلکه با تصمیم‌های شجاعانه‌ی کسانی که در سایه‌ها زندگی می‌کنند، تغییر می‌کند. «موسی» روایتی از ترس و امید است؛ ترس از آینده‌ای نامعلوم و امید به تغییری که شاید هیچ‌گاه رخ ندهد. زنان فیلم، هر کدام در موقعیت‌های حساس میان تسلیم و مبارزه، یکی را انتخاب می‌کنند. مادر موسی، آسیه و قابله، همگی تجسم این حقیقت‌اند که گاه بزرگ‌ترین نبردهای زندگی نه در میدان‌های جنگ بلکه در لحظات تصمیم‌گیری درونی رخ می‌دهند. فیلم یادآور می‌شود یک انتخاب درست می‌تواند، چراغی برای نسل‌های بعد باشد.

دیدگاه: یادداشت سینمایی

دکتر، معیشت و جادوی سینما

درباره بازنمایی نوسانات ارزی در سینما



مهرداد دانش
منتقد

در فرصت‌های بین سانس‌های نمایش فیلم‌های جشنواره و در کنار صحبت درباره فیلم‌ها و فضای برگزاری جشنواره و... یکی از موضوعاتی که تقریباً هر روز درباره‌اش صحبت می‌شود، ماجرای افزایش قیمت دلار و طلاست. بسیاری از ما منتقدان و سینمایی‌نویسان البته نه در کار و کاسبی با ارز و سکه و... هستیم و نه اصلاً در آمدمان کفاف می‌دهد که حتی به این جور کاسبی‌ها بیندیشیم. دغدغه ما، تأثیر این روند فزاینده بر زندگی‌مان است که روز به روز دارد از کیفیتش کاسته می‌شود و بر نومی‌ی‌مان از بهبود و بلکه حفظ وضعیت کنونی معیشت می‌افزاید.

در چنین اوضاع نگران‌کننده‌ای، شاید محصور شدن در برج و باروی میلاد در یک بازه ۱۰ روزه از صبح تا پاسی از نیمه شب و تماشای روزی ۵ نوبت تماشای فیلم به یک پارودی شباهت داشته باشد اما اینکه می‌بینی در برخی از فیلم‌ها، ماجرای تأثیر نوسانات ارزی متأثر از تلاطم‌های سیاسی روزگار و تصمیمات دیپلماتیک رجال سیاسی، چگونه در زندگی مردمان نقش اساسی ایفا می‌کند، اندکی از شدت این پارودی می‌کاهد.

ماجرای تأثیر افزایش قیمت دلار و طلا با مواضع سیاسی جاری در ایران و دنیا در تخریب معیشت مردمان، پیش از این به صراحت در فیلم برداران لایلا مرور شده بود. حالا بعد از چند سال می‌بینیم که در برخی از فیلم‌های جشنواره هم این ماجرا مورد تأکید قرار گرفته است.

یکی از این فیلم‌ها «رها» به کارگردانی حسام فرمند است. رها به ماجرای خانواده‌ای یک مرد بیکار می‌پردازد که از خرید لپ‌تاپ برای دختر دانشجویش عاجز است و این عجز او و سایر اعضای خانواده‌اش را وارد وادی‌هایی می‌کند که چالش‌های دراماتیک اثر را پرورش می‌دهد. در صحنه‌ای از فیلم که مرد در به‌در در فروشگاه‌ها دنبال خرید یک لپ‌تاپ ارزان‌قیمت است، بسیاری از فروشندگان به بی‌ثباتی قیمت ارز اشاره می‌کنند و مسرد را در تعقیق و آویختگی موقعیتی بیشتری قرار می‌دهند. او در این تعقیق به مرزی کشانده می‌شود که رفته رفته خود و خانواده‌اش به فروپاشی سوق داده می‌شوند و بافت عواطف خانوادگی در کساکش شکاف‌های عمیق طبقاتی جامعه و لرزان بودن موقعیت‌های معیشتی ناشی از اظهارات و کنش‌های سیاسی قدرتمندان، قربانی می‌شود.

فیلم دیگر، پیرسسر (اکتای براهنی) است. این فیلم در وهله نخست یادآور همان برداران لیلست؛ ماجرای اصرار فرزندان به پدر خودخواه خانواده برای تبدیل به احسن کردن منزل و فراهم آمدن امکانی برای تأمین سرمایه در جهت بهبود شغل و معیشت. ولی طولی نمی‌کشد که فیلم مسیر خود را به سمت ماجرای عاشقانه متمرکز می‌کند و چالش‌های دراماتیک متن با درگیری پدر و دو پسرش بر سر زنی زیبا که مستأجر طبقه بالای منزلشان شده، تقویت می‌شود. اما در همین مسیر، فیلم با تأکید بر نمایش لحظات اعلام یک‌طرفه‌ی لغای معاهده برجام از سوی ترامپ در سال ۱۳۹۶ از تلویزیون در یکی از سکانس‌ها، به نوعی بر همین وضعیت نابه‌سامان معیشتی ناشی از مواضع سیاسی حاکمان عرصه قدرت تأمل می‌کند و بیننده را به دغدغه‌اندیشی در این باره فرامی‌خواند. فیلم البته جایی دیگر هم ترامپ را از تلویزیون نشان می‌دهد؛ موقعیتی که ترامپ در مراسم نطق سالانه خود در کنگره از دست دادن با ناشی پولسی، رئیس دموکرات مجلس نمایندگان آمریکا خودداری می‌کند که شاید قرار است طی این صحنه قلدروآبی روحیه مردسالارانه به بافت معنایی فیلم گره زده شود.

سینما آینه روزگار است. اگر در بازنمایی هنرمندانه وضعیت مردمانش، شفاف و روشن باشد حتی در داخل برج و بارویی محصور شده هم می‌توان با آن هم‌دلی کرد. این جادوی اصلی سینماست.



دیدگاه: تحلیل اقتصادی

برق جدید آفریقا

چرا آفریقا دوباره مهم شد؟

مهتا معرفت
مترجم

اگر از دور به آفریقا بنگرید با برخی از مشکلات آن از جمله جنگ مخرب داخلی در سودان آشنا خواهید شد. همچنین نقاط قوت آن از جمله افزایش ۳۴ درصدی علاقه‌مندی جهانی به موسیقی آفریقایی در اسپاتیفای در سال ۲۰۲۴ را می‌بینید. موضوعی که درک آن دشوارتر است و به واقعیتی اقتصادی مربوط می‌شود که ما آن را «شکاف آفریقا» می‌نامیم. در دهه گذشته و در حالی که آمریکا، اروپا و آسیا خود را با کمک فناوری و سیاست متحول کردند آفریقا از تحولات غافل ماند و بیش از پیش عقب افتاد. درآمد سرانه آن از یک سوم درآمد سرانه دیگر نقاط جهان در سال ۲۰۰۰ به یک چهارم آن کاهش یافت. تولید سرانه آن در سال ۲۰۲۶ با میزان آن در سال ۲۰۱۵ تفاوتی نخواهد داشت. دو کشور بزرگ و برتر آن یعنی نیجریه و آفریقای جنوبی عملکردی نامطلوب داشتند. تعداد بسیار اندکی از کشورهای آن قبیل ساحل عاج و رواندا تا حدی بهتر عمل کردند. رکود درازمدت بهره‌وری عامل اصلی پیدایش چنین وضعیتی است. کشورهای آفریقایی یک اختلال بدون توسعه را تجربه می‌کنند. با حرکت مردم از مزارع به سمت شهرها، ترکیب اجتماعی آفریقا زیروری می‌شود، اما این تحول با انقلاب کشاورزی یا صنعتی همراه نیست. بخش خدمات که آفریقایی‌های بیشتری را به کار گرفته در مقایسه با دیگر مناطق، بهره‌وری کمتری دارد و بهره‌وری آن در همان سطح سال ۲۰۱۰ باقی مانده است. زیرساخت‌های ضعیف نیز شرایط بد را تشدید می‌کنند. با تمام صحبت‌هایی که در مورد استفاده از فناوری دیجیتال و انرژی پاک برای جهش به جلو به میان می‌آید، آفریقا جعبه ابزار قرن بیستمی لازم برای شکوفایی در قرن ۲۱ را ندارد. خیابان‌های آن خلوت‌تر شده‌اند. کمتر از ۴ درصد زمین‌های کشاورزی آن سامانه آبیاری دارند و کشورهای زیر صحرای کبیر از برق محروم‌اند. این مساله جنبه دیگری نیز دارد که کمتر به آن توجه می‌شود. آفریقا بیابانی خالی از شرکت‌هاست. در ۲۰ سال گذشته برزیل زیستگاه غول‌های فناوری و اندونزی میزبان ستارگان تجارت الکترونیکی بودند، درحالی که هند یکی از پویاترین زیست‌بوم‌های شرکتی را در خود پرورش می‌داد اما آفریقا عقب افتاد. شمار شرکت‌های آفریقایی که حداقل یک میلیارد دلار درآمد دارند از شمار همپایان آنها در دیگر نقاط بسیار کمتر است و همین تعداد نیز از سال ۲۰۱۵ روندی نزولی داشت. این مساله به اندازه بازارهایی که به لطف مرزها کاملاً پراکنده و پیچیده شده‌اند، خطرآفرین نیست. بنابراین، رهبران آفریقا باید رشد را جدی بگیرند. آنها باید همان روحیه اعتمادبه‌نفس در مدرنیته‌سازی را به دست آورند که در قرن بیستم در شرق آسیا و این روزها در هند و دیگر مناطق دیده می‌شود. گروهی از کشورهای آفریقایی همانند بوتسوانا، اتیوپی و موریوس در برخی اوقات به مفهومی روی آورده‌اند که استفان درکون (Stephan Dercon) آن را «معامله توسعه» می‌نامد. این مفهوم ساده که در میان نخبگان رواج دارد، بیان می‌کند که سیاست به افزایش اندازه اقتصاد مربوط می‌شود، نه اینکه چه کسی چه چیزی می‌گیرد. آفریقا به تعداد بیشتری از این مفاهیم نیاز دارد. همزمان، دولت‌ها باید درباره رشد به یک اجماع مفید برسند. خبر خوب آن است که حوزه‌های قدرتمند قانونی به پویایی اقتصادی علاقه‌مندند. نسل جدید آفریقایی‌ها که چندین دهه پس از استقلال متولد شده‌اند بیشتر به فکر حرفه خود هستند تا موضوع استعمار. کوچک‌سازی شکاف آفریقا به دیدگاه‌های جدید اجتماعی در مورد تجارت نیاز دارد. شبیه همان دیدگاهی که عامل رشد در چین و هند بودند. آفریقایی‌ها به جای قناعت به مشاغل دولتی یا شرکت‌های کوچک باید به سراغ ثروتمندان خطرپذیر بروند. تک‌تک کشورها به زیرساخت‌های بیشتری از بنادر تا نیروگاه‌ها، رقابت آزاد و مدارس باکیفیت‌تر نیاز دارند. وظیفه ضروری دیگر آنها یکپارچه‌سازی بازارهای آفریقا است تا بنگاه‌ها بتوانند به صرفه حاصل از مقیاس برسند و اندازه آنها اقتدر بزرگ شود که سرمایه‌گذاران جهانی را جذب کنند. آنها باید برنامه‌هایی برای مناطق آزاد مسافرتی، یکپارچگی بازارهای سرمایه، ارتباط شبکه‌های دادها و تحقق رویای ساخت یک منطقه تجارت آزاد بان آفریقایی تدوین کنند. پیامدهای روند کنونی برای آفریقا ناگوار خواهد بود. اگر شکاف آفریقا بزرگ‌تر نشود تقریباً تمام مردم آن فقیر و در برابر تغییرات اقلیمی آسیب‌پذیر خواهند شد. چنین فاجعه‌ای ثبات دیگر نقاط جهان را هم تهدید خواهد کرد. وقت آن است که رهبران حس جفاطلبی و خوش‌بینی پیدا کنند. آفریقا به سرمایه‌داری بیشتر نیاز دارد.

منبع: اکونومیست

مبارزه با خصوصی‌سازی

چرا واگذاری ایران خودرو به جنرال کشیده شد؟

سعید خوش‌بین
گروه اقتصاد

علیمردان عظیمی، مدیرعامل سابق ایران خودرو که در روزهای گذشته علیه خصوصی‌سازی این شرکت مقاومت کرده بود از این شرکت کنار رفت. این تغییر در پی حواشی و جنجال‌های گسترده‌ای رخ داد که شامل مقاومت او در برابر واگذاری مدیریت به هیات مدیره جدید و حتی ممانعت از ورود مدیران جدید به ساختمان شرکت بود. آقای عظیمی که به دلیل انتخاب هیأت مدیره جدید از سمت خود برکنار شده بود، در اقدامی غیرمنتظره و اعتراض‌آمیز، درهای ساختمان مدیریت ایران خودرو را قفل کرد و اجازه ورود به مدیران جدید را نداد. این اقدام او به حضور پلیس ۱۱۰ منجر شد و اعضای هیأت مدیره جدید از او به اتهام «تصرف عدوانی» و «ممانعت از حق» شکایت کردند.

آقای عظیمی زمان زیادی نیست که به عنوان مدیرعامل ایران خودرو فعالیت می‌کند؛ او در اسفند ۱۴۰۱ جایگزین مهدی خطیبی شد که به دلیل واگذاری تعداد زیادی خودرو به سازمان‌های دولتی، باعث عصبانیت مرحوم سیدابراهیم رئیسی شده بود. خبرگزاری‌ها می‌گویند، علیمردان عظیمی درهای ساختمان مدیریت این شرکت را قفل کرده و مانع ورود اعضای جدید هیات مدیره به محل کارشان شده است. این اقدام در پی تغییرات مدیریتی و واگذاری شرکت به بخش خصوصی انجام شده که با حاشیه‌های زیادی همراه بوده است. روز چهارشنبه هفته گذشته مجمع عمومی ایران خودرو با جنجال‌های زیادی برگزار شد که در نهایت با واگذاری مدیریت این شرکت به کنسرسیومی از شرکت‌های بخش خصوصی موافقت شد. علیمردان عظیمی که با این تغییرات مخالف است به نشانه اعتراض و مقاومت، درهای شرکت را قفل کرد. این اقدام منجر به شکایت اعضای جدید هیات مدیره شد و

موضوع اکنون به مراجع قضایی کشیده شده است. طبیعی است که این حواشی باعث شده تا نگرانی‌های زیادی درباره روابط داخلی و تاثیر این تنش‌ها بر روند کاری ایران خودرو ایجاد شود. البته این وضعیت نشان‌دهنده تنش‌هایی است که می‌تواند در علیمردان عظیمی در گفت‌وگو با شبکه خبر از اقدام عجیب خود دفاع کرد و مدعی شد که بر اساس نامه‌ای از معاون دادستان کل کشور، وظیفه اجرای رأی صادره را داشته و نمی‌توانسته برخلاف آن عمل کند. او همچنین اعلام کرد که نامه‌ای به سازمان بورس ارسال کرده و از این سازمان خواسته است که واگذاری ایران خودرو به بخش خصوصی را تأیید نکند. در نهایت پس از دو روز مقاومت، علیمردان عظیمی در تاریخ جمعه ۱۹ بهمن ۱۴۰۳ طی پیامی به سهامداران ایران خودرو از این شرکت خداحافظی کرد. او در پیام خود اعلام کرد که به منظور «جلوگیری از وقفه در امور جاری شرکت و تأثیرات منفی بر روند تولید خودرو» تصمیم به کناره‌گیری گرفته است. او همچنین تأکید کرد که خود را تابع قانون می‌داند و امیدوار است که نهادهای نظارتی، حقوق سهامداران را در این فرآیند پیگیری کنند. پس از خداحافظی علیمردان عظیمی، هیأت مدیره جدید موفق شد ساختمان مدیریت ایران خودرو را تحویل گیرد و در آن مستقر شود. این تغییر مدیریت، بخشی از فرآیند واگذاری ایران خودرو به بخش خصوصی است که با تأیید سازمان بورس و اوراق بهادار همراه بوده است.

مقاومت در برابر خصوصی‌سازی

فرآیندهای خصوصی‌سازی و تغییر مدیریتی شرکت‌های بزرگ دولتی در ایران رخ دهد. نمونه قبلی آن، واگذاری سهام شرکت هیپکو بود که مدیر دولتی زیر بار خصوصی‌سازی نرفت و حواشی زیادی ایجاد کرد. هیپکو یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های تولید تجهیزات سنگین در ایران است که در سال‌های گذشته دچار تغییرات مالکیتی گسترده‌ای شده است. در سال ۱۳۸۵ سازمان خصوصی‌سازی ایران تصمیم به واگذاری ۶۱ درصد از سهام هیپکو به شرکت «واگن‌سازی کوثر» گرفت. اما بعد از این واگذاری، مشکلات متعددی به وجود آمد. مدیران دولتی وقت به خصوص در سازمان گسترش و نوسازی صنایع با واگذاری کامل مدیریت این شرکت به بخش خصوصی مخالفت کردند و حتی بعد از واگذاری سهام همچنان در امور مدیریتی شرکت

داخلت می‌کردند. این موضوع منجر به بروز فساد، تعارض منافع و نهایتاً به بحران‌های مالی و مدیریتی در هیپکو شد. مقاومت مدیران دولتی در برابر خصوصی‌سازی کامل و واقعی از جمله دلایل اصلی برای شکست سیاست‌های خصوصی‌سازی در این شرکت بوده است. هیپکو در حال حاضر گرفتار مشکلات زیادی است و هرگز نتوانسته دوباره قد علم کند.

مقاومت مدیران

مقاومت مدیران دولتی و گروه‌های ذی‌نفع در مقابل واگذاری کامل مدیریت یک شرکت به بخش خصوصی می‌تواند منجر به شکست خصوصی‌سازی شود. این مورد نمونه‌های مشابهی در ایران و خارج از ایران دارد. یک نمونه خارجی هم که به پرونده ایران خودرو شباهت دارد، مربوط به شرکت «آلیتالیا» است. شرکت هواپیمایی ملی ایتالیا که فرآیند خصوصی‌سازی آن با مشکلات و تنش‌های زیادی همراه شد. دولت ایتالیا به خاطر مشکلات مالی زیادی که گریبان شرکت هواپیمایی دولتی ایتالیا را گرفته بود، تصمیم به واگذاری سهام این شرکت گرفت. مدیران دولتی و اتحادیه‌های کارگری به شدت با خصوصی‌سازی این شرکت مخالف بودند و اعتقاد داشتند که این واگذاری منجر به کاهش نیروی کار، تغییرات اساسی در مدیریت و کاهش دسترسی به خدمات هوایی



عمومی می‌شود. اولین اقدام دولت ایتالیا برای خصوصی‌سازی آلیتالیا در دهه ۱۹۹۰ به دلیل مقاومت مدیران و مشکلات مالی شرکت به نتیجه نرسید. این کارشنکی، دولت را به مدت یک دهه از خصوصی‌سازی شرکت هواپیمایی خود منصرف کرد تا اینکه در سال ۲۰۰۴ تصمیم به واگذاری مجدد شرکت گرفته شد. این بار دولت تصمیم گرفت ۴۹ درصد سهام این شرکت را به یک کنسرسیوم واگذار کند. واگذاری با موفقیت صورت گرفت اما باز هم به دلیل تشدید اختلافات مدیریتی، لغو شد. دوباره در سال ۲۰۰۸ دولت ایتالیا تلاش کرد تا آلیتالیا را به واگذار کند که باز هم به دلایل مشابهی مانند مقاومت داخلی و مشکلات مالی ناموفق بود. حتی پس از اینکه دولت ایتالیا دولت تصمیم گرفت، سهام بیشتری از شرکت را خریداری کند تا آن را از ورشکستگی نجات دهد و حتی زمانی که موافقت کرد که بخشی از هزینه‌های بازنوسازی کارکنان را هم بپردازد، اتحادیه‌های کارگری با تغییرات پیشنهادی مخالفت کردند. در سال ۲۰۱۴ تلاش دیگری برای نجات شرکت با مشارکت اتحادیه اروپا و سرمایه‌گذاران خصوصی صورت گرفت. یک کنسرسیوم با پیش گذاشت اما این بار نیز به دلیل کارشنکی به نتیجه نرسید. در سال ۲۰۱۷ آلیتالیا به صورت رسمی ورشکسته شد. دولت ایتالیا سعی کرد از طریق تزریق منابع جدید از ورشکستگی شرکت جلوگیری کند اما افاقه نکرد. در نهایت در سال ۲۰۲۱ آلیتالیا از بین رفت و جای خود را به یک شرکت جدید داد.

تجربه شرکت آلیتالیا شباهت زیادی به وضعیت ایران خودرو دارد؛ با این تفاوت که شرکت ایتالیایی دیگر وجود خارجی ندارد اما شرکت ایرانی در آغاز یک فرآیند پر هزینه قرار گرفته است. مرور تجربه خصوصی‌سازی آلیتالیا نشان می‌دهد که چگونه خصوصی‌سازی یک شرکت بزرگ دولتی می‌تواند با مقاومت‌های داخلی و بیرونی مواجه شود و چگونه این مقاومت‌ها می‌تواند، فرآیند خصوصی‌سازی را با چالش‌های جدی روبه‌رو کند.

نمونه آلمانی

یک نمونه دیگر هم در آلمان به ثبت رسیده است. «دویچه‌بان» ایرتور راه‌آهن آلمان، یک شرکت دولتی بود که در اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل ۲۰۰۰ میلادی، بحث‌های جدی درباره خصوصی‌سازی آن مطرح شد. مدیران وقت دویچه‌بان، از جمله «هارتموت میدونگ» به عنوان مدیرعامل، به شدت با

ایده خصوصی‌سازی کامل شرکت مخالف بودند. آنها استدلال می‌کردند که خصوصی‌سازی ممکن است منجر به کاهش کیفیت خدمات، کاهش دسترسی عمومی به حمل و نقل و افزایش هزینه‌های بلیت شود. همچنین نگرانی‌هایی درباره تأثیر منفی بر کارگران و از دست دادن کنترل بر زیرساخت‌های ملی حیاتی وجود داشت. در نهایت، دویچه‌بان به طور کامل خصوصی نشد. دولت آلمان تصمیم گرفت به جای خصوصی‌سازی کامل، شرکت را به یک شرکت سهامی تبدیل و سهامش را در بورس عرضه کند (IPO) اما همچنان کنترل اکثریت سهام را حفظ کرد. این بدان معناست که دولت فدرال آلمان همچنان سهامدار اصلی و مدیریت‌کننده شرکت باقی مانده است.

نتیجه چه می‌شود؟

بدون شک مقاومت علیمردان عظیمی بدون پشتوانه سیاسی نیست. برای این کشمکش دو احتمال وجود دارد؛ یا علیمردان و مردان پشت پرده‌اش موفق می‌شوند از یک نهاد بالادست مصوبه ابطال خصوصی‌سازی را بگیرند که در این صورت، حضورشان در ایران خودرو مستدام می‌ماند. شاید هم مقاومتشان بی‌نتیجه باشد و ایران خودرو برای همیشه خصوصی شود. برای این سناریو هم می‌توان در حالت در نظر گرفت؛ یا ای خودرو خصوصی می‌شود و خلاص یا اینکه مخالفان از طریق تحریک کارگران و شیطنت در امور شرکت، اجازه فعالیت به این شرکت نمی‌دهند و مدام چوب لای چرخ آن می‌گذارند. به این ترتیب اگر مدیران دولت فکر اساسی نکنند، واگذاری ایران خودرو به زودی تبدیل به یک پرونده حقوقی قطور می‌شود. در قوانین اکثر کشورها، سهامداران حقوق مشخصی دارند که شامل دسترسی به اطلاعات شرکت و حضور در جلسات مجمع عمومی می‌شود. اگر مدیر شرکت از ورود سهامداران به شرکت جلوگیری کند، این می‌تواند نقض حقوق سهامداران باشد. در چنین مواردی، سهامداران می‌توانند به دادگاه شکایت کنند تا حقوق خود را اعاده کنند. بر اساس قانون تجارت ایران و مشابه آن در سایر کشورها، سهامداران می‌توانند در صورت تخلف مدیران از وظایف خود، اقامه دعوی کنند و خواستار جبران خسارت شوند یا برکناری مدیر را درخواست کنند. طبق ماده ۲۷۶ لایحه اصلاحی قانون تجارت، اگر مجموع سهام یک یا چند سهامدار حداقل یک پنجم سهام شرکت باشد، می‌توانند به نام و از طرف شرکت و به هزینه خود در دادگاه اقامه دعوی کنند و هر گونه خسارت وارده به شرکت را مطالبه کنند. سهامداران همچنین می‌توانند با تشکیل جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده به تغییر مدیریت یا برکناری مدیر اقدام کنند، یا به دادگاه مراجعه کرده و از طریق حقوقی مشکل را حل کنند.

قصه علیمردان

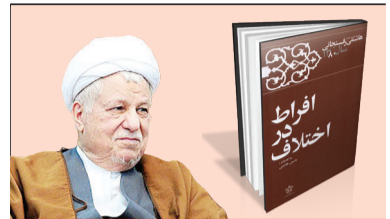
علیمردان عظیمی به عنوان یک مدیر دولتی در برابر تغییرات ساختاری مقاومت می‌کند و این می‌تواند به عنوان یک ویژگی محافظه‌کارانه در دنیای واقعی تحلیل شود. در مقابل، علیمردان خان داستانی، نمادی از ضعف تربیتی و شخصیتی است که در قالب طنز و برای آموزش کودکان به کار گرفته شده است. آقای عظیمی که تحصیلات حقوقی دارد و بیشتر در حوزه‌های حقوقی و بازرسی فعالیت کرد، به مدیریت دولتی و ساختارهای نظارتی عادت دارد. این ویژگی او را به فردی محتاط در برابر تغییرات ساختاری بزرگ مانند خصوصی‌سازی تبدیل کرده است. به نظر می‌رسد او به دلیل باور به نقش دولت در کنترل صنایع بزرگ با خصوصی‌سازی مخالفت کرده است. این مقاومت ممکن است از دیدگاه او به‌عنوان دفاع از منافع ملی یا جلوگیری از فساد احتمالی در واگذاری‌ها توجیه شود. با این حال به نظر می‌رسد، عظیمی بیشتر به دنبال حفظ وضعیت موجود و جلوگیری از ریسک‌های مرتبط با خصوصی‌سازی است. این می‌تواند نشان‌دهنده رویکردی محافظه‌کارانه باشد که در آن، ثبات بر توسعه و نوآوری اولویت دارد. شاید هم او منافع گروهی سیاسی را مدیریت می‌کند و مقاومت او در برابر خصوصی‌سازی به همین دلیل است. البته برخی منابع نشان می‌دهند که مدیریت او با حواشی‌های زیادی مانند واگذاری خودروهای خارج از ضابطه همراه بوده که این امر نشان‌دهنده ضعف‌هایی در شفافیت مدیریت است. بر اساس اطلاعات موجود، عظیمی بیشتر به عنوان مدیری شناخته می‌شود که مناسب ساختارهای دولتی است و توانایی یا تمایل لازم برای پذیرش تغییرات بزرگ را ندارد.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: سیدفاضل موسوی • سردبیر: اکبر منتجبی

زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یازفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌پار، امیراقتناعی

مدیر هنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌ن‌فر • حروف‌چین: مجتبی دیدگر • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



افراط در اخلاق ۲۳

دوشنبه ۵ آذر

دیدار با فرماندهان بسیج

فرماندهان بسیج [به مناسبت پنجم آذر روز تأسیس بسیج مستضعفین] آمدند. سردار [محمد] حجازی، فرمانده نیروی مقاومت [بسیج] گفت، تعیین سیاست کلی در مورد بسیج در مجمع تشخیص مصلحت، باعث رشد جهشی امکانات و کار بسیج شد. در بند ۳۶ برنامه سوم آمده: «برای تأمین امنیت پایدار، توسعه بسیج از لحاظ کمی و کیفی مورد توجه است و در برنامه سوم ۲۱ مورد بر این پایه قید شده که باعث رشد اعتبارات به نسبت ۱۰۵ درصد شده؛ از جمله یک درصد سود ناخالص شرکت‌های دولتی و برخی از اقدامات جدید و جذب ۷ میلیون نفر.» من هم در مورد مبنای تشکیل بسیج و انتظارات و تأثیرات آن سخنرانی کردم.

آقای [مرتضی] مبلع، معاون سیاسی وزارت کشور آمد. برای قانع کردن من، جهت حمایت از نظر مجلس در طرح سه فوریتی [اصلاح قانون انتخابات] توضیحاتی داد و خواست که اجازه بدهیم که در جلسه مجمع [تشخیص مصلحت نظام] شرکت نماید. افراط اعضای کابینه دولت سازندگی و مشاوران و خانواده‌هاشان میهمانم بودند. معمولاً سالی یکی، دو بار برای حفظ روابط چنین جلسه همدلی برقرار می‌کنیم. چند جمله‌ای هم صحبت کردم و به بچه‌ها هر یک هزار تومان هدیه دادم.

اعلام شد که بقایای طالبان در قندوز تسلیم شده و در یکی از اردوگاه‌های آسرا در مزارشریف، آسرای طالبان شورش کردند و عده زیادی از نیروهای جبهه متحد را کشتند و سرانجام با درخواست جبهه [متحد] هوایم‌های آمریکایی آنها را بمباران کردند و صدها نفر از آنها را کشتند. اعلام شد پیش از هزار کماندوی آمریکایی در فرودگاهی در جنوب قندهار که متعلق به بن‌لادن بوده، فرود آمده‌اند و جمعی هم در پایگاه [هواپی] شیندند، [در ولایت هرات] هستند.

در جنوب فیلیپین، امروز برای تعیین جانشین آقای [دوترته نور] میسواری، [رهبر جبهه ملی آزادیبخش موروا]، رهبر فراری مسلمانان که به مالزی رفته و آنجا دستگیر شده، انتخابات بود.

سه‌شنبه ۶ آذر

توضیحات مسیح مهاجری

آقای مسیح مهاجری، [مشاور اجتماعی رئیس‌جمهور و مدیرمسئول روزنامه جمهوری اسلامی] آمد. در مورد مسایل افغانستان، قوه قضاییه و روزنامه خراسان مطالبی داشت. به دستور رهبری، وضع روزنامه خراسان را بررسی کرده و نتیجه این شده که هیأت امنایی تشکیل شود که بر کار آقای [حسین] غزالی، [مدیرمسئول روزنامه خراسان] نظارت و سیاست روزنامه را مشخص کنند و روزنامه از کمیته امداد [امام خمینی] منفک شود. آقای مهاجری را رییس هیأت امناء کرده‌اند اما چون حکم ایشان به امضای آقای [غلامحسین] محمدی‌گلپایگانی، [رئیس دفتر رهبری] است، مایل نیست بپذیرد؛ انتظار دارد رهبری حکم می‌داده‌اند.

حکومت نظامی

در ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ چه گذشت؟



نیره خادمی گروه تاریخ

ساعت ۹ صبح بیست‌ویکمین روز بهمن سال ۱۳۵۷ جسد ۳ سرباز گارد جاوید در خیابان‌های اطراف نیروی هوایی به چشم می‌خورد. درگیری‌ها میان برخی همافران ارتش ایران و افسران گارد جاوید با ورود مردم به جنگی خیابانی و خونین تبدیل شده بود و تا صبح ادامه داشت. عقربه‌های ساعت که در حال گذر از ۱۰ بود، اسلحه‌خانه نیروی هوایی

به دست مردم افتاد و تا ساعتی بعد دیگر حتی چند کلاتری از جمله کلاتری نارمک هم به دست مردم افتاده بود. بزرگ‌ترین نبرد مسلحانه میان نیروهای حامی انقلاب اسلامی و وفاداران به شاه در همین روز به وقوع پیوست و تا پایان شب به دنبال حمله به اسلحه‌خانه ارتش تعداد بسیار زیادی از مخالفان حکومت پهلوی مسلح شدند. سازندگی به مناسبت

دهه فجر به وقایع تاریخی آن روزها در بهمن سال ۵۷ پرداخته است.

حمله به کارخانه تسلیحات ارتش

یک روز مانده به انقلاب دیگر تانک‌ها و نفری‌ها به وسیله مردم به خیابان‌ها آمده بودند و همین اتفاق روحیه مخالفان حکومت پهلوی را بالا برده بود و بسیاری هم با دیدن این صحنه‌ها به آنها پیوستند چون شاهدان تقریباً از تغییر حاکمیت مطمئن شده بودند اگرچه همچنان تلاش‌هایی برای مقابله با سبیل غیرقابل بازگشت وجود داشت. آخرین اعلامیه فرمانداری نظامی تا ظهر چندین بار از رادیو پخش شد که ساعت منع عبور و مرور را چهارونیم عصر اعلام می‌کرد. رهبر انقلاب در پاسخ به دستور فرمانداری پیامی به این شرح صادر کرده بود: «اعلامیه امروز حکومت نظامی، خدعه و خلاف شرع است؛ مردم به هیچ‌وجه به آن اعتنا نکنند. برادران و خواهران عزیزم، هراسی به خود راه ندهید که به خواست خداوند تعالی، حق پیروز است.» از سوی دیگر اما آیت‌الله طالقانی نظر دیگری داشت و در اعلامیه‌ای هشدار داد، قصد دارند «حمام خون» برپا کنند. به نوشته مهرداد خدیر، این هشدار به منزله تشویق مردم به پرهیز از حضور در خیابان بود که البته اعلامیه آن توزیع نشد بنابراین مردم در خیابان‌ها ماندند. هنوز درگیری مسلحانه میان نیروهای گاردی و افراد پادگان نیروی هوایی در خیابان دوم ادامه داشت و وسط خیابان هم یک خودروی ارتشی را آتش زده بودند. به گفته یکی از درجه‌داران نیروی هوایی در حمله صبح تعداد زیادی از افراد نیروی هوایی به دلیل غافلگیری کشته شدند اما افراد نیروی هوایی در تمام خیابان‌های اطراف سنگر گرفتند و به کمک مردم در خیابان‌ها

سنگرچینی کردند. مردم با شعار «پرسنل نیروی هوایی مدافع خلق مای» به تشویق آنها پرداختند. نزدیک ظهر سربازان نیروی زمینی تسلیم می‌شوند، سربازان روی پشت بام‌ها مستقر شده و قسمتی از جاده تهران‌نو را در محاصره خود دارند. ساعت نزدیک ۱۲ ظهر دو تانک نیروی زمینی توسط افراد نیروی هوایی و مردم در خیابان دماوند همچنین دهه قبضه اسلحه سبک و دو تیربار سنگین مربوط به نیروی زمینی توسط مردم نیروی هوایی ارتش به غنیمت گرفته می‌شود. در بسیاری از مناطق تهران مخالفان با تصرف کلاتری و دست یافتن



دانشگاه، شرکت نفت و سایر شهرها

دانشگاه تهران هم از صبح حالت عادی نداشت، چریک‌های فدایی خلق در آنجا پایگاه ایجاد کردند و دانشگاه تبدیل به یک پایگاه مبارزه مسلحانه شده بود. شاپور بختیار در گفت‌وگویی با هفته‌نامه فرانسوی «لوپوان»

درباره استعفا از مقام نخست‌وزیری توضیحاتی داده بود: «اگر مقام نخست‌وزیری را ترک کنم، کشور دچار جنگ داخلی، هرج و مرج و اغتشاش خواهد شد. اگر استعفا بدم یا کسی مرا بکشد دیگر دولت قانونی وجود نخواهد داشت و احتمال کودتا هم وجود دارد.»

اعتصاب کارکنان شرکت ملی نفت در چند روز قبل ادامه داشته و توان کشور را ضعیف کرده همچنان ادامه دارد و مهندس بازرگان نخست‌وزیر دولت موقت هم اعلام کرد که اعتصاب شرکت نفت در زمینه صدور نفت به خارج به کلی خاتمه نیافته ولی کارکنان و کارگران شرکت نفت باید برای تأمین سوخت مورد مصرف داخلی از هیچ کوششی فروگذار نکنند تا هم رضایت مردم و رضای رهبر جنبش به دست آید و هم موجب امتنان دولت موقت شود. به گفته او، اعتصاب شرکت نفت با استقرار دولت موقت حمایت از بازرگان در شهرهای دیگر هم ادامه داشت از جمله در مشهد که گفته می‌شود با حضور یک میلیون نفر برگزار شد. در شهرهای شوشتر، بندرعباس، سقز، کازرون، شاهرود، بوئین فریدون، بندرگز، لاهیجان، زرقان، تبریز، مرودشت، ممسنی، کرمانشاه، ملایر، زنجان، بیهقان، نوشهر، مسجدسلیمان، تاکستان، زنجان، درود، خرم‌آباد، اردبیل، شهریار، اهر، کوهدشت و سیرجان به خیابان‌ها رفتند. همه اینها در شرایطی که دو لایحه انحلال ساواک و محاکمه وزیران و غارتگران بیت‌المال که در روزهای قبل در مجلس ملی تصویب شده بود، پس از طی سلسله شرایط قانونی از جمله تصویب در مجلس سنا توسط محمدعلی وارسته نایب‌رئیس شورای سلطنت توشیح شد و قدرت قانونی پیدا کرد.

افزایش ساعت حکومت نظامی

فرمانداری نظامی تهران اطلاعیه شماره ۴۲ خود را به این قرار صادر کرد: اهالی محترم پایتخت پیرو اعلامیه شماره ۴۱ برابر تقاضای مکرر عده زیادی از همشهریان گرامی و عزیز و به منظور تأمین رفاه و آسایش عموم ساعات منع عبور و مرور از ساعت ۱۲ ظهر به ساعت ۷ صبح همان روز تغییر می‌یابد. فرمانداری نظامی تهران و حومه انتظار دارد این تغییر ساعت که صرفاً به منظور رفاه اهالی محترم پایتخت در نظر گرفته شده است موجب جلب توجه هر چه بیشتر همشهریان به مقررات فرمانداری نظامی گردد. مهندس بازرگان، نخست‌وزیر دولت موقت این اعلامیه را غیرقابل پذیرش خواند و نوشت: خبری که ساعت ۱۴ امروز در رادیو ایران دایر بر ممنوعیت عبور و مرور شهر تهران از ساعت ۴:۳۰ بعدازظهر پخش شده، توطئه علیه پیروزی انقلاب اسلامی مردم است و پذیرفتنی نیست. امام خمینی هم مجدداً در یک اعلامیه حکومت نظامی را خدعه و خلاف شرع اعلام و تأکید کرد که مردم به مقررات منع عبور و مرور توجه نکنند. در این اعلامیه به مسئولان اخطار داده شد که اگر جلوی تعدیات و وحشی‌گری‌ها

تقویم

دادگستر دادگستری

یادی از علی اکبر داور



رضاشاه پهلوی به خاطر تردیدی که در معامله و صدور پنبه به شوروی برایش پیش آمده بود، بیستم بهمن سال ۱۳۱۵ علی‌اکبر داور را به کاخ

مرمر فرخواند و او را همراه محمود جم و رضاقلی میرخسروی به باد فحش و ناسزا گرفت. داور در آن زمان وزیر دارایی حکومت پهلوی بود و پیش از آن سمت‌های زیادی داشت. توانسته بود دستگاه قضایی ایران را دچار تحوّل عمیق کند و حالا او را به عنوان بنیانگذار دادگستری نوین ایران می‌شناسند. علی‌اکبر داور بعد از جلسه‌ای که با رضا شاه داشت به خانه رفت. ساعت از ۱۲ ظهر گذشته بود و وقتی به خانه رسید، اول

به اتاق همسر و فرزندانش رفت، مدتی در اتاق کم نور به چهره ۲ فرزند کوچکش نگاه کرد، بعد به اتاق خودش رفت و در را قفل کرد. مقداری تریاک در آب حل کرد و خورد تا پس از مدتی بیهوش شد و روی تخت افتاد و بدین ترتیب به زندگی ۵۰ ساله خود پایان داد. روزنامه‌های روز بیست‌ویکم علت فوت او را سکنه قلبی عنوان کردند در حالی که می‌دانستند، مرگ او سکنه نبوده بلکه در اثر فشار کار و اضطراب دست به این کار زده است. داور در پاییز همان سال بر اثر فشار کار و مشکلات روحی و جسمی دچار بیماری شده و مدت‌ها در بستر بیماری بود و حتی زمانی که بهبود یافت باز هم آرزو کرد، بمیرد تا از این زندگی پرفشار جسمی و روحی راحت شود. یکی از بازیگران سیاسی و از وزرای مقتدر و اصلاح‌طلب دوره پهلوی اول بود که سابقه حضور در وزارت عدلیه، وزارت معارف و همکاری با روزنامه شرق را داشت و عضو حزب دموکرات بود. او هنگام تحصیل در ژنو، حزب ملی ایران را تأسیس کرد و در مجلس چهارم شورای ملی به عنوان وکیل مردم ورامین و خوار (گرمسار) انتخاب شد. بعدها حزب «رادیکال» را تأسیس کرد و خیلی زود حدود ۳۰۰ نفر از رجال سیاسی و اجتماعی آن روزگار به عضویت این حزب درآمدند. روزنامه مرد آزاد را با هدف تغییر و تحول در مسایل اجتماعی و سیاسی ایران منتشر کرد و در مجلس پنجم و ششم هم انتخاب شد در در همین دوره با همکاری تیمورتاش و نصرت‌الدوله فیروز برای قدرت یافتن سردار سپه، اقداماتی به سرانجام رساندند و پس از تلاش بی‌حد و حصر او و دوستانش، ماده واحده‌ای درباره خلع سلسله قاجار و واگذاری ریاست حکومت به رضاخان پهلوی به تصویب رسید و سرنوشت ایران را تغییر داد. او در دورانی که پشت میز وزارت عدلیه نشست در تشکیلات اداری، مدیریتی و قضایی وزارتخانه تغییراتی جدی و ساختاری ایجاد کرد و با حمایت شاه و اختیاراتی که از دولت و حکومت داشت، وزارت عدلیه را ترمیم کرد. برای رفع مشکل کمبود نیروی انسانی، اقدام به تأسیس کلاس‌های آموزشی به نام کلاس قضایی کرد و به افرادی که از عهده امتحان برمی‌آمدند، تصدیق‌نامه قضایی اهدا می‌شد. پس از مدتی به وزارت مالیه رفت و کار تغییر و تحولات در وزارت دارایی را آغاز کرد. در این میان اعلام ناگهانی مرگ تیمورتاش در زندان سپس دستگیری و قتل فجیع سردار اسعدبختیاری (جعفرقلی خان) وزیر جنگ که سخت مورد توجه و لطف رضاخان بود، روحیه او را پریشان کرد در حالی که مغضوب شدن بسیاری از دوستان و همکاران خود را که سال‌ها در راه حکومت رضا خان تلاش کرده بودند را به چشم می‌دید و روحیه بسیار بدی پیدا کرده بود بنابراین در حالی که تنها ۵۱ سال داشت بعد از جلسه با رضا شاه خودکشی کرد.

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ

برادر ارجمند

جناب آقای دکتر مجتبی زینی‌وند

ضایعه درگذشت مادر مومنه جنابعالی باعث تاثر و تالم فراوان گردید. بدین‌وسیله مراتب تسلیت بنده را پذیرا باشید.

برای ایشان، رحمت و غفران واسعه الهی و برای شما و خاندان معزز، صبر و شکیبایی مسئلت دارم.

سیدحسین مرعشی